نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال هیجدهم - شماره ۷۹۴ یکشنبه ۱ آذر ۱۳۹۴- ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

مصاحبه نسیم جنوب با نویسنده بوشهری سمیه حبیبی



بزرگترین مشکل جوانان، خود آنها هستند که نمی خواهند باور کنند اگر بخواهند می توانند

صفحه۶

دکتر سالاری استاندار بوشهر:



سازمان‌های مردم نهاد در استان بوشهر مورد حمایت جدی قرار دارند

صفحه۲

پورفاطمی نماینده دشتی و تنگستان در نطق میان دستور :

سهم ناچیز نیروهای بومی استان بوشهر در اشتغال نفت و گاز

صفحه ۲





به مناسبت سالروز درگذشت شاعر بوشهری ایران زمین منوچهر آتشی

مولفه های نوآفرینی منوچهر آتشی

علی باباچاهی

صفحه ۴

نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۷۹۴ یکشنبه ۱ آذر ۱۳۹۴
NASIM JANOUB

دکتر سالاری: سازمان‌های مردم نهاد در استان بوشهر مورد حمایت جدی قرار دارند

استاندار بوشهر گفت: علاوه بر دارا بودن جمعیت شهری استان بوشهر از امکانات ورزشی، ۹۰ درصد جمعیت روستایی این استان از فضای ورزشی بهره‌مند می‌شوند. به گزارش اداره روابط عمومی استانداری بوشهر، دکتر مصطفی سالاری در نشست با معاون وزیر ورزش و جوانان با بیان اینکه توجه به ورزش همگانی و قهرمانی از اولویت‌های استان بوشهر است اظهار داشت: توجه به زیرساخت‌های ورزشی و حمایت از ورزشکاران از اولویت‌های حوزه ورزش و جوانان استان بوشهر است.
وی با بیان اینکه ساخت‌های عمرانی با توجه به تناسب و نیاز مردم ساخته می‌شود گفت: در راستای تحقق مطالبات مردم سال گذشته روستاهای بالای یک هزار نفر جمعیت استان بوشهر دارای زمین مینی‌فوتبال شدند و امسال نیز روستاهای بالای ۵۰۰ نفر جمعیت از این مکان ورزشی بهره‌مند می‌شوند.
استاندار بوشهر با بیان اینکه بیش از ۹۰ درصد جمعیت روستایی استان بوشهر از فضای ورزشی بهره‌مند می‌شوند افزود: زمین‌های ورزشی مینی فوتبال با توجه به پراکنش جمعیت ساخته شده که تا پایان سال واحدهای مینی فوتبال به ۲۵۰ زمین ورزشی افزایش می‌یابد که با ساخت ۱۱۸ زمین مینی فوتبال ورزشی بیش از ۹۰ درصد جمعیت روستایی و ۹۷ درصد جمعیت شهری از زمین مینی فوتبال بهره‌مند می‌شوند. وی با اشاره به تاسیس سازمان‌های مردم نهاد در استان بوشهر تصریح کرد: سازمان‌های مردم نهاد در استان بوشهر مورد حمایت جدی قرار دارند که در این زمینه در بخش‌های مختلف این سمن‌ها ایجاد شده و توسعه می‌یابد. استاندار با تاکید بر بازگرداندن خانه جوانان به اداره کل ورزش و جوانان افزود: این خانه‌ها که در بیشتر شهرها وجود دارد باید به اداره کل ورزش و جوانان برگردانده شود تا در اختیار سازمان‌های مردم نهاد بهره‌برداری قرار بگیرد.

پورفاطمی نماینده دشتی و تنگستان در نطق میان دستور :

سهم ناچیز نیروهای بومی استان بوشهر در اشتغال نفت و گاز



عضو مجمع نمایندگان استان بوشهر با اشاره به تاسیسات عظیم نفت و گاز در این استان و با توجه به اینکه میدان مشترک پارس جنوبی باعث ارزآوری بیش از ۲۳۵ میلیارد دلار شده است، از سهم ناچیز اشتغال نیروهای بومی در پارس جنوبی انتقاد کرد.
محمد مهدی پورفاطمی در نشست علنی (سه‌شنبه ۲۶ آبان‌ماه) مجلس شورای اسلامی در نطق میان دستور خود، افزود: لازم است علی‌رغم گذر زمان، فاجعه رخ داده در حج امسال را به همه داغ‌دیدگان به ویژه خانواده‌های داغدار حجاج هم استانی‌های خود تسلیت عرض بگویم و از دولت خواستاریم تا رسیدن به نتیجه مطلوب این مهم را پیگیری کنند.
نماینده مردم دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی، ادامه داد: خرسندم که دولت در به عمل پوشاندن یکی از وعده‌های به حقی که به مردم داده بود، یعنی حذف و لغو تحریم‌های ظالمانه علیه مردم ایران، با تکیه بر عقلانیت و منطق توفیق یافته است. لذا به نمایندگی از مردم بر خود واجب می دانم از دولت به ویژه تیم مذاکره کننده، شخص وزیر امور خارجه تشکر و قدردانی کنم و صد البته این همه حاصل نمی‌شد مگر با هدایت، رهنمود و پشتیبانی مقام معظم رهبری که تقدیر خالصانه خود را به محضر ایشان تقدیم می کنم.
این نماینده مردم در مجلس نهم، با یادآوری مشکلات حوزه انتخابیه خود، افزود: علی‌رغم وجود تاسیسات عظیم نفت و گاز در استان بوشهر، با توجه به اینکه منطقه پارس جنوبی از مناطق مهم و تاثیرگذار در صنعت نفت و گاز کشور محسوب می‌شود و طی ۱۵ سال گذشته محصولات گازی تولید و صادر شده و همچنین میدان مشترک پارس جنوبی باعث ارزآوری بیش از ۲۳۵ میلیارد دلار شده است، اما متاسفانه سهم واقعی اشتغال نیروهای بومی با وجود مصوبه‌های مختلف دولت مبنی بر استخدام ۵۰ درصد نیروهای بومی و داشتن تخصص و گذراندن مهارت‌های فراوان و مهارت آموزی توسط بومی‌ها در این منطقه بسیار ناچیز است. وی یادآور شد: تاسیسات عظیم نفت و گاز در پارس جنوبی، طی ۱۵ سال گذشته بیش از ۲۳۵ میلیارد دلار ارزآوری داشته اما متاسفانه سهم واقعی اشتغال نیروهای بومی با وجود مصوبات دولت مبنی بر استخدام ۵۰ درصد نیروهای بومی، بسیار ناچیز و فقط ۱۶ درصد است.
این نماینده مردم در مجلس نهم، تاکید کرد: ساکنان مناطق مختلف بوشهر به واسطه وجود یکی از بزرگترین مناطق تولید انرژی جهان و مهمترین پایگاه اقتصادی کشور در استان‌شان باید زندگی مرفه و بدون دغدغه‌ای داشته باشند اما از این خوان گسترده به جای سود پتروشیمی، دود پتروشیمی عایدشان می‌شود به طوری که آلودگی هوا نفس مردم منطقه را به شماره انداخته و محیط زیست منطقه را با بحران مواجه کرده است.
پورفاطمی یادآور شد: بر این اساس از دولت درخواست داریم تا به اشتغال نیروهای بومی در منطقه پارس جنوبی به ویژه در دوران حذف تحریم‌ها و حضور شرکت‌های خارجی در منطقه توجه ویژه‌ای داشته باشند.
وی به نقش استان بوشهر در کشاورزی اشاره کرد و گفت: متاسفانه نخلداری در بوشهر در معرض نابودی است و هزینه‌های بالای تولید و پایین بودن قیمت خرما کمر کشاورزان را شکسته، سوال اینجاست چرا صداوسیما در کنار تبلیغ کالاهای مضر و بیماری‌زا نظیر انواع چیپس و پفک و فست‌فود، برنامه‌ای برای آگاهی مردم از اهمیت خرما در سبد غذایی‌شان ندارد؟
نماینده مردم دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه وزارت آموزش و پرورش می‌تواند از خرما برای تغذیه مدارس استفاده کند، گفت که به زودی طرحی را با همکاری سایر نمایندگان مناطق خرماخیز کشور، در همین رابطه ارائه خواهد کرد.
عضو کمیسیون اجتماعی مجلس افزود: پرداخت حق نوار مرزی به فرهنگیان، تعیین‌تکلیف راه‌آهن بوشهر- شیراز و تقویت اقتصادی مناطق مرزی را از دولت درخواست دارم. سه شنبه ۲۶ آبان ۹۴

کمک۴۵۰ میلیون تومانی استانداری به ایرانجوان

مدیرعامل باشگاه ایرانجوان بوشهر گفت: سازمانها و دستگاه های پر درآمد استان از تیم فوتبال این باشگاه حمایت کنند.
رضا فرهمندنیا درگفت و گو با ایرنا افزود: تاکنون چهار میلیارد و۵۰۰ میلیون از سوی استانداری بوشهر به تیم ایرانجوان کمک شده ولی با توجه به هزینه های بالای تیم داری در لیگ دسته یک فوتبال کشور انتظار حمایت بیشتری بویژه از سوی دستگاه های پردرآمد استان داریم.
وی با بیان اینکه تاکنون ۱۰ درصد قرارداد بازیکنان ایرانجوان پرداخت شده است افزود: پیش از این مقرر شده بود تا هفته پانزدهم بازی ها ۱۰ درصد دیگر از قرارداد بازیکنان را پرداخت کنیم ولی این امر تاکنون محقق نشده است و امیدواریم در یک



تا دو هفته آینده زمینه پرداخت بخش دوم قرارداد بازیکنان فراهم شود.
فرهمندنیا گفت: با یک نهاد برای حمایت مالی از ایرانجوان بوشهر وارد مذاکره شدیم که نتیجه آن تا هفته آینده مشخص خواهد شد.
وی افزود: ایرانجوان به عنوان یکی از تیم های پرطرفدار و مردمی شهر بوشهر با حمایت مناسب می تواند نماینده ی شایسته ای برای این شهر باشد.
فرهمندنیا اضافه کرد: با توجه به دیر شروع شدن تمرین های پیش فصل و انجام نشدن برنامه های مورد نیاز کادر فنی هدف اصلی تیم ایرانجوان بقا در لیگ دسته یک فوتبال کشور است.
وی یادآور شد: تاکنون بخش زیادی از نتیجه های ایرانجوان برگرفته از حمایت هواداران پرشور و با غیرت است که امیدواریم در ادامه بازی ها نیز این حمایت ها تداوم داشته باشد.

رکود بازار مسکن در بوشهر، قیمت ها را پایین کشید



رییس اتحادیه مشاوران املاک و اتومبیل بوشهر گفت: هم اینک رکود بازار مسکن در این شهر باعث شده تا قیمت ها به صورت غیرمنطقی کاهش یابد. عبدالرزاق ریشهری زاده در گفت و گو با ایرنا افزود: در شش ماه نخست امسال قیمت پایه هر متر مربع ملک مسکونی آپارتمانی نوساز معمولی در شهر بوشهر ۲۵ تا ۳۰ میلیون ریال و آپارتمان با ساخت و ساز مطلوب و شیک هر متر مربع حدود ۵۰ میلیون ریال است.
وی اظهار کرد: در این مدت با توجه به نرخ تورم در بازار، اما افزایش نرخ مسکن صورت نگرفته بلکه کاهش نیز داشته است، طوری قیمت هر مترمربع مسکن آپارتمانی نوساز معمولی در شهر بوشهر در نیمه نخست سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته پنج میلیون ریال پایین آمده است. ریشهری زاده اضافه کرد: این روند کاهش غیرمنطقی قیمت مسکن، شرایط را برای فعالیت سازندگان مسکن و فعالان این بخش دچار مشکل کرده است.
وی بیان کرد: ساخت و ساز باید برای سرمایه گذار در بخش مسکن مقرون به صرفه و پاسخگوی عرضه و تقاضا باشد.
ریشهری زاده درباره فعالیت بنگاه های املاک در شهر بوشهر اظهار کرد: ۴۶۰ بنگاه املاک در شهر بوشهر با پروانه کسب فعالیت دارند که ملزم به داشتن رایانه، اینترنت، استفاده از فرمت های کشوری و دریافت کد رهگیری در همه قراردادها هستند. وی گفت: با توجه به رکود مسکن ۴۰ بنگاه املاک از ابتدای امسال تاکنون غیر فعال شده اند. ریشهری زاده اظهار کرد: با توجه به پیگیری و نظارت این اتحادیه بر فعالیت بنگاه های املاک مسکن تعدادی بنگاه املاک بدون پروانه کسب بویژه در مناطق جنوبی شهر بوشهر فعال هستند که بنا بر اظهارات مسئولان به دلیل اینکه در شعاع جغرافیایی نیروگاه اتمی واقع شده اند امکان صدور پروانه کسب برای آنها مقدور نیست.
وی گفت: هر گونه نظارت اتحادیه بر نحوه خرید و فروش و معاملات صورت گرفته در بنگاههای املاک از طرف این اتحادیه امکان پذیر نیست و هیچ گونه اختیاری در این زمینه ندارد.
رئیس اتحادیه مشاوران املاک و اتومبیل بوشهر اضافه کرد: همچنین برخلاف نظر عامه مردم که فکر می کنند بنگاه های املاک در تعیین قیمت ها نقش دارند هیچ گونه دخالتی از طرف بنگاه های املاک در این زمینه صورت نمی گیرد.
ریشهری زاده بیان کرد: با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی بوشهرکه امکان افزایش وسعت شهر وجود ندارد خانه های ویلایی جایگاهی در ساخت و ساز مسکن ندارند و بیشتر آپارتمان سازی رواج دارد.
وی گفت: با توجه به اینکه امکان توسعه شهر بوشهر وجود ندارد و این استان تولیدکننده مصالح ساختمانی نیست، مصالح با قیمت بالاتر از سایر استانها به این شهر می رسد که به تبع آن قیمت مسکن نسبت به سایر شهرستانها گران تر است.
ریشهری زاده اضافه کرد: همچنین نیروی کار بومی در زمینه مسکن در بوشهر وجود ندارد که در کنار عوامل کلان یکی از عوامل موثر در قیمت مسکن است.
وی بیان کرد: هر رویداد اقتصادی نشات گرفته از اقتصاد کلان و سیاست های داخلی و خارجی حاکم بر نظام است که لغو تحریم ها می تواند فضای تنفسی مطلوب را در زمینه اقتصاد فراهم کند.
ریشهری زاده اظهارکرد: امیدواریم با ایجاد شدن شرایط مطلوب پس از لغو تحریم ها بازار مسکن نیز در این زمینه با سیاست های جدید اقتصادی شرایط مطلوب پیدا کند.

رییس جدید اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان دشتی منصوب شد

مند: رییس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان بوشهر؛ طی حکمی داریوش رزمی را به عنوان رییس جدید اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان دشتی منصوب کرد.
آیین تودیع و معارفه رزمی با حضور رییس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان، فرماندار شهرستان دشتی و جمعی از فعالان اقتصادی شهرستان دشتی برگزار گردید. سید حسین حسینی محمدی در این مراسم گفت: انتظار داریم با استفاده از توان علمی و نیروی انسانی موجود در این اداره و بهره گیری از ظرفیت ها و امکانات موجود شهرستان دشتی شاهد پویایی و رشد بیشتری نسبت به گذشته در حوزه صنعت، معدن و تجارت این شهرستان باشیم.
در این آیین از زحمات حسین مجدنیا رئیس قبلی صنعت، معدن و تجارت دشتی تقدیر شد.

مهارت؛ حلقه مفقوده اشتغال بوشهری‌ها در صنایع

از عسلویه در جنوبی‌ترین نقطه استان بوشهر تا دیلم در شمال استان بوشهر همه و همه ظرفیت‌های بی‌نظیری از صنایع وجود دارد که بازار اشتغال بسیار خوبی را ایجاد کرده است ولی بخش زیادی از شاغلان را افراد غیربومی تشکیل می‌دهند.
پارس جنوبی به عنوان پایتخت اقتصادی و انرژی کشور محسوب می‌شود که به تنهایی بیش از ۶۰ درصد از گاز کشور را تأمین می‌کند و گاها تا حدود ۱۰۰ هزار نفر در همین منطقه مشغول به کار هستند.
توسعه صنایع پائین‌دستی و پتروشیمی‌ها در این منطقه فرصت‌های جدیدی را برای اشتغال فراهم ساخته است که باید از آن برای توسعه اشتغال در استان بهره برد.
صنایع پارس جنوبی در شهرستان‌های عسلویه و کنگان مستقر است و البته در شهرستان دیر هم صنایع نفت و گاز و پتروشیمی توسعه یافته است. در شهرستان جم نیز یکی از بزرگ‌ترین پالایشگاه‌های گاز کشور مستقر است که ۲۵ درصد گاز کشور نیز در این شهرستان تولید می‌شود.
در شمال استان بوشهر یعنی شهرستان‌های گناوه و دیلم نیز صنایع بزرگ نفتی وجود دارد که این صنایع نیز به عنوان ظرفیت عظیم اشتغال محسوب می‌شوند.
نیروگاه اتمی بوشهر از دیگر ظرفیت‌های اشتغال در استان است. بزرگ‌ترین پایانه صادرات نفت کشور نیز در خارگ قرار دارد که بیش از ۹۰ درصد نفت کشور را صادر می‌کند.
موارد ذکرشده تنها بخشی از ظرفیت‌های اشتغال در استان بودند که به این‌ها باید تولید ۷۰ درصد میگوی پرورشی کشور، تولید محصولات زراعی و باغی و گلخانه‌ای، صید و صیادی، تجارت و بازرگانی، گمرک و بندر و . . . را اضافه کرد.
در کنار جمعیت یک میلیون نفری استان بوشهر، وقتی به این ظرفیت‌های بی‌شمار نگاه می‌کنیم، نباید هیچ فرد بیکاری در استان بوشهر وجود داشته باشد ولی مشکل تنها در وجود فرصت‌های شغلی نیست؛ افراد برای اشتغال در صنایع باید آموزش‌های لازم را دیده باشند و مهارت مناسبی کسب کرده باشند.
یکی از مصوبات دولت در سفر ۱۰ سال پیش به استان بوشهر، اشتغال ۵۰ درصد نیروی بومی استان بوشهر در صنایع پارس جنوبی بود ولی در کنار این مصوبه، اقدامی برای مهارت افزایی افراد برای اشتغال در این صنایع صورت نگرفت.
اغلب آموزش‌ها در استان بوشهر یا در رشته‌های نظری و علوم انسانی بود و یا اینکه در رشته‌های فنی نیز تناسب چندانی با صنایع پارس جنوبی و دیگر صنایع استان نداشتند که این موضوع باعث می‌شد تا اشتغال این افراد به‌خوبی محقق نشود.
در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای هم‌راستا شدن



دانشگاه‌های استان با صنایع موجود در استان صورت گرفته است و در بخش مهارت‌آموزی نیز اقداماتی صورت گرفته است.

آموزش ۱۰ هزار نفر برای اشتغال در صنایع نفت و گاز

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌تواند نقش بسیار مهمی در آماده‌سازی جوانان و متقاضیان اشتغال استان بوشهر برای فعالیت در صنایع مستقر در استان داشته باشد.
مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای استان بوشهر در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به تلاش‌های صورت گرفته برای افزایش مهارت در بین جوانان استان گفت: مهارت‌آموزی یکی از مهم‌ترین راهکارها برای بهبود وضعیت اشتغال در استان است که در این راستا گام برمی‌داریم.
عبدالرسول کازرونی از توسعه آموزش‌های مهارت‌آموزی متناسب با نیازهای استان بوشهر در قالب رشته‌های فنی و حرفه‌ای خبر داد و اضافه کرد: ۱۵مرکز آموزشی ثابت استان بوشهر آماده ارائه مهارت‌های اشتغال به متقاضیان هستند.
وی همچنین از ارائه آموزش‌های متناسب با صنعت به دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی خبر داد و بیان کرد: صنایع نفت و گاز و پتروشیمی و همچنین انرژی هسته‌ای از ظرفیت‌های خوب اشتغال در استان هستند که مهارت‌آموزی در این رشته‌ها انجام می‌شود.
مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای استان بوشهر افزود: یکی از برنامه‌های مهم آموزش فنی و حرفه‌ای در استان بوشهر در سال‌های اخیر انعقاد قرارداد آموزشی با سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس و دوره‌های آموزشی مرتبط نفت و گاز است.
وی اضافه کرد: اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای برای توسعه آموزش‌های صنایع مرتبط با منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس ۳۵ عنوان حرفه آموزشی جدید را به تفاهم‌نامه همکاری فی‌مابین دو دستگاه افزوده و در این ارتباط حرفه‌های آموزشی تخصصی به ۷۶ عنوان در سال جاری افزایش‌یافته است.
کازرونی در ادامه افزود: افزایش آموزش‌دیدگان در این مدت رشد ۵۴ درصدی نسبت به مدت مشابه در سال گذشته نشان می‌دهد که بیانگر عزم اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای در راستای توانمندسازی جوانان استان بوشهر است.
وی تصریح کرد: در قالب توسعه همکاری‌های بین‌بخشی و طی تفاهم‌نامه بین سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای استان بوشهر و وزارت نفت تا سه سال آینده ۱۰ هزار نفر از متقاضیان اشتغال در استان بوشهر مهارت‌آموزی می‌شوند.

آموزش اشتغال در نیروگاه اتمی

نیروگاه اتمی بوشهر نیز به عنوان یکی از قطب‌های اشتغال است که اشتغال در این بخش نیازمند برخورداری از مهارت‌های ویژه است و باید جوانان استان بوشهر برای اشتغال در این صنایع آموزش‌های لازم را ببینند.
با توجه به اینکه طراحی و ساخت واحدهای جدید نیروگاه اتمی در بوشهر نیز مدنظر دولت است، باید از قبل نیروهای انسانی مورد نیاز این صنایع در استان آموزش ببینند.
مدیرکل فنی و حرفه‌ای استان بوشهر به ارائه آموزش‌های مناسب برای اشتغال در نیروگاه اتمی اشاره کرد و گفت: با تفاهم صورت گرفته، زمینه آموزش هشت هزار نفر برای کار در نیروگاه‌های جدید اتمی در بوشهر فراهم می‌شود.
وی با اشاره به فعالیت پنج مرکز شبانه‌روزی آموزش فنی و حرفه‌ای در استان بوشهر، اضافه کرد: این مراکز فرصت بسیار خوبی برای مهارت‌آموزی متقاضیان اشتغال است که می‌توانند در رشته‌های مختلف آموزش ببینند.
کازرونی افزود: در راستای طرح توانمندسازی دانشجویان، تفاهم‌نامه‌ای با دانشگاه خلیج‌فارس بوشهر منعقد شده است که دانشجویان سال آخر رشته‌های فنی می‌توانند از امکانات مراکز فنی و حرفه‌ای به صورت عملی استفاده کنند.

لزوم توسعه مهارت‌آموزی در استان

مدیریت ارشد استان بوشهر نیز همواره بر توسعه آموزش‌ها برای اشتغال در صنایع مستقر در استان تأکید دارند و پیگیری‌های زیادی برای عقد تفاهم‌نامه با صنایع استان برای ارائه آموزش‌های متناسب با نیاز این صنایع صورت گرفته است.
استاندار بوشهر در ارتباط با اهمیت مهارت افزایی برای اشتغال اظهار داشت: استان بوشهر دارای ظرفیت‌های بالایی برای اشتغال است که باید تلاش شود تا آموزش‌های مورد نیاز به جوانان استان ارائه شود.
مصطفی سالاری با اشاره به نقش بسیار مهم فنی و حرفه‌ای در ارائه آموزش‌های مناسب به جوانان استان، خاطرنشان کرد: اغلب افرادی که آموزش‌های مناسب را دیده باشند جذب بازار کار می‌شوند و همه متقاضیان اشتغال باید در این مسیر گام بردارند.
وی تصریح کرد: علاوه بر اشتغال در صنایع بزرگ استان، باید نگاه ویژه‌ای نیز به صنایع خرد صورت بگیرد و مهارت‌های لازم برای اشتغال در این زمینه‌ها نیز ارائه شود.
استاندار بوشهر یکی از ظرفیت‌های مهم استان بوشهر را گردشگری دانست و افزود: باید به سمت توسعه گردشگری و ایجاد اشتغال در این سمت نیز حرکت کنیم تا هم شاهد توسعه اقتصادی و درآمدزایی باشیم و هم اینکه فرصت‌های مناسب



اشتغال فراهم شود.
وی توسعه اشتغال روستایی را به عنوان یک اولویت دانست و با تأکید بر لزوم مهارت‌آموزی به روستائیان، گفت: اشتغال زنان نیز به‌عنوان یک اولویت در دستور کار است و باید مهارت لازم برای اشتغال به زنان ارائه شود.

جوانان تن به کار دهند

یکی دیگر از مشکلاتی که پیش روی اشتغال وجود دارد، عدم استقبال از فعالیت در فضاهای سخت کاری است که گاها جوانان از کار در این فضاها امتناع می‌کنند و حاضر به فعالیت در شرایط سخت نیستند. بسیاری از فرصت‌های شغلی در صنایع نفت و گاز استان در فضای باز است و در ساعت‌های طولانی در فصل سرما و گرمای طاقت‌فرسا نیازمند استقامت بالایی است. این موضوع سبب شده است تا تقاضا برای اشتغال در این بخش‌ها کاهش یابد و اغلب جوانها به دنبال شغل‌های دفتری باشند.
جوانان علاوه برای آموختن مهارت‌های شغلی مناسب، باید خود را برای فعالیت در فضاهای مختلف و سخت آماده کنند و تن به کار بدهند تا شاهد کاهش نرخ بیکاری در استان باشیم.
منبع: خبرگزاری مهر

بفکر سلامت پاکبانان زحمتکش باشیم

زهرا رضایی طرهانی



در طی روز چندین بار پاکبانان زحمتکش و پرکار را می بینم که در حال نظافت شهر هستند. پاکبانان وجدان کاری بی نظیری دارند که در خیلی از مدعیان مسئولیت برای شهروندان هم نمی توان این تعهد را دید، یعنی دقیقا به کاری که به ایشان محول شده، می پردازند و من بارها از نزدیک شاهد این تعهد کاری بوده ام.

اما گله من از شهرداری بوشهر است که آن گونه که بازرسینی جهت نظارت کار این عزیزان دارند چرا به امنیت جسمی این بزرگواران توجهی ندارند؟ سلامت آنها با توجه به شرایط کاری، هم بخشی از وظایف شهرداری است. ماسک و دستکش باید همراه پاکبانان باشد حتی اگر به او اجبار شود، چون کمربند ایمنی در خودروها و بازرسین شهرداری کنترل نمایند و آنقدر تکرار شود که نهادینه شود. ممکن است مسئولین شهرداری بگویند ما دستکش و ماسک در اختیار پاکبانان می گذاریم، اما آنها استفاده نمی کنند اما بنظر من این توجیه خوبی نیست زیرا آموزش های مستمر به یادگیری و نظارت بر رعایت اصول بهداشتی، از وظایف آموزشی شهرداری است و باید اهمیت استفاده از این وسایل مطرح و حتی اجباری شود. نبود ماسک و دستکش در حین کار برای پاکبانان امراضی را بدنبال دارد که شاید ده سال بعد خود را نشان دهد.

مرگهای نامرئی که دیده نمی شود و گذشت زمان آن را نشان می دهد که خود بحث پزشکی جداگانه ای را می طلبد. روزگاری در این شهر، اکثر مردم چه بالای شهر و چه پایین شهر، از کیسه زباله استفاده نمی کردند، زباله را در حلب های استفاده نشده می ریختند و خود شهرداری همین حلب های محتوی زباله را در ماشین های مخصوص شهرداری خالی و حلب را بر می گرداند که صاحبان حلب ها، آبی را در حلب چرخانده و مجدداً استفاده می کردند اما امروز با اطمینان می توان گفت در همه نقاط شهر، از کیسه زباله استفاده می کنند و این امر به جهت تلاش شبانه روزی اداره بهداشت و شهرداری بوده است. پس به احترام پاکبانان زحمتکش که با تلاش آنها سلامت و بهداشت شهر را داریم، باید به فکر سلامت این بزرگواران هم باشیم.

نان روی میز است...

صبح که عازم محل کار می شوم، مسیر خانه تا اداره را پیاده می روم. در طی پیاده روی نظاره گر جریان زندگی و شروع روزی نو هستم. عده ای پیاده و عده ای سواره به محل کار می روند، بچه ها که عازم مدرسه هستند، مادرانی که دست کودک خود را گرفته و در انتظار سرویس دبستان کنار خیابان ایستاده اند، مغازه ها که در حال بالا کشیدن کرکره ها هستند، و خیلی چیزهای دیگر که در این مقوله نمی گنجد. در مسیری که طی می کنم، چندین نانوایی با طبخ های متفاوت هست که همیشه بوی این نانها برایم لذتبخش بوده است، و مرا به فکرمی برد که تا رسیدن این بو به مشام ام، چقدر زحمتها و مشقتها کشیده شده است، از لحظه کاشت تا برداشت و بسته بندی و بعد آسیاب و بعد خمیر شدن و در آتش پختن و ما براحتی با پرداخت مبلغی تمام این زحمات را در دست می گیریم. نان سر سفره هر ایرانی است و از لیست غذایی کم نمی شود و بقول قدیمی ها برکت سفره است اما در احترام در برابر این همه زحمت نگاهی به پسماندهای سفره خود بیندازیم، چقدر ضایعات نان داریم؟ به یاد یک هایکو از یک شاعر روسی افتادم که: کلاه ات را از سر بردار نان روی میز است..

قوم مداری و اصطکاک فرهنگی

دکتر سعید معدنی



در همه جوامع بشری نوعی قوم مداری (Ethnocentrism) وجود دارد. اینکه افراد، کشور، شهر، روستا، قوم و یا طایفه ی خود را برتر از همه شهرها، روستاها، اقوام همجوار خود می دانند و در جهت تخریب و تحقیر همدیگر جوک و لطیفه می سازند. ای بسا بر اساس همین نگاه خود برتر بینی، جنگ هایی شکل گرفته است. قوم مداری و خویش برتر بینی تا حدودی برای بقای یک جامعه لازم است. اما افراط در آن موجب بروز اختلافات و گسستگی اجتماعی می شود.

سؤال اینجاست که اقوام و ساکنان یک محیط جغرافیایی با چه کسانی رقابت می کنند، و خود را از چه کسانی برتر می بینند؟ در این جا اصطلاح «اصطکاک فرهنگی» مطرح می شود. غالباً یک قوم و قبیله، خود را با همجواران خود که اصطکاک فرهنگی دارند، مقایسه کرده و خویشتن را برتر می بینند. غالباً در دو روستا، دو شهر، و یا دو قبیله همجوار، چنین اتفاقی رخ می دهد. مثلاً تا دو دهه قبل، تهرانی ها، رشتی ها، ترک ها، قزوینی ها و اصفهانی ها، برای همدیگر جوک زیاد می ساختند، و بعضاً باعث رنجیدگی خاطر یکدیگر می شدند. به همین دلیل مثلاً چند دهه قبل، در تهران، جوک درباره ی عرب، آبادانی، شیرازی و لر وجود نداشت.

حدود بیست و پنج سال پیش که جهت تحصیل به شیراز رفتم، در آنجا جوک هایی برای لر، آبادانی و عرب رایج بود که برای من غریب و جالب می نمود. در آنجا، لطیفه ای درباره ی ترک ها و یا رشتی ها و قزوینی ها و تهرانی ها کمتر می شنیدیم. این امر نشان می دهدکه در جوک و لطیفه ساختن برای همدیگر، اصل همجواری و اصطکاک فرهنگی نقش اساسی دارد. به یمن حضور موبایل و پیامک، جوکهای محلی، کشوری شدند! و مثلاً تهرانی ها درباره ی لر و عرب و آبادانی هم جوک می شنیدند. به عبارتی وسیله ی اجتماعی موبایل، موجب همجواری فرهنگی بیشتری شده بود که متاسفانه، به جای آموختن از فرهنگهای دیگر، گفتن و شنیدن جوک همه گیر شد. اما در یکی ـ دو سال اخیر، با ظهور شبکه های اجتماعی جدید مثل وایبر، واتس آپ و تلگرام، و تشکیل گروههایی با افراد زیاد و بعضاً حضور اقوام مختلف، دامنه ی جوک سازی ها و نشر آن کمتر شد و این جای خوشحالی بود. اما هنوز حساسیت های قومی و صنفی ادامه دارد و همین مسأله دامنگیر گروه «فتیله ای» ها شده است.

در سالهای اخیر، ما فیلم ها، سریال ها و رمانهایی را داشته ایم که مورد اعتراض اصناف و اقوام قرار گرفته است. مثل سریال « در حاشیه، مهران مدیری» که به ناهنجاری های موجود در بیمارستان ها می پرداخت که با اعتراض برخی پزشکان مواجه شد. دقت کنید پزشکان که قشر تحصیلکرده و فرهیخته جامعه محسوب می شوند. و یا فیلم مارمولک به کارگردانی کمال تبریزی که حدود دو هفته به اکران ادامه داد و لاجرم از سردر سینماها پایین کشیده شد و یا در سریال دیگری از مهران مدیری، با عنوان «مرد هزارچهره»، وقتی در ابتدای سریال، شخصیت اصلی فیلم در ثبت احوال شیراز کار می کرد، محل کارش را بی نظم و به هم ریخته نشان دادند گلایه و اعتراض ثبت احوال شیراز (شهر مدرن و پیشرفته) بلند شد که ثبت احوال شیراز اینگونه بی نظم نیست! و سریال غلو کرده است. به لحاظ حساسیت های قومی هم می توان به مورد سریال «سرزمین کهن» کمال تبریزی اشاره کرد که در آن ایل بختیاری احساس کردند که اهانتی شکل گرفته و اعتراض شان بلند شد و در نهایت صدا و سیما این سریال زیبا و خوش ساخت را متوقف کرد. سریالی که می توانست یکی از خاطرات خوب مردم ما از صدا و سیما باشد و شانه به شانه ی سریال ارزشمند «شهریار» حرکت کند.

اما داستان «فتیله ای ها» فرق می کند. آنها سالهاست که برنامه اجرا می کنند. زمانی که به تلویزیون آمدند، تازه سالهای نوجوانی را پشت سر گذاشته بودند و اکنون در آستانه ی میانسالی هستند. کودکان ما با آنها زندگی کرده، بزرگ شده اند و به جوانی رسیده اند و خاطرات خوب و شیرینی در ذهن خود دارند. اما فقط یک غفلت می توانست تمامی زحمات آنها را به باد دهد. که اتفاق افتاد. بی شک این آیتم اشتباه بود و کدام آدم عاقل هتل رویی است که فرق «مسواک» و «برس مخصوص تمیز کردن توالت» را نداند. اگر این توصیف برای هر شهر و قومی، غیر از لهجه ی تهرانی به کار می رفت بی شک رنجیدگی خاطر آنها را فراهم می کرد و این بار قرعه به نام ترک ها درآمد. زیرا از بد حادثه، یکی از هنرپیشه های این برنامه ی سه نفره، ترک بود. من وقتی برنامه را دیدم، بدیهی است که ناراحت شدم. گفتم چه اشتباه فاحشی رخ داده و از آنجا که خودم ترک هستم، برایم غیر قابل باور بود. اما باید همگی قبول کنیم که ساختن چنین برنامه هایی حرکت کردن بر روی لبه ی پرتگاه است. با توجه به تجربه ی روزنامه ی ایران حدس زدم که اتفاقاتی رخ خواهد داد. همگان می دانیم که آنطرف مرزها هم شیطنت هایی انجام می شود و براین آتش هیزم می افزایند. به عبارتی، بخشی از این واکنش ها را باید در جاهایی دیگر جستجو کرد. این نوع حرکت ها می تواند هشداری برای مسئولین باشد تا در کنار پرداختن به مسائل بیرون مرزها، نیم نگاهی هم به داخل داشته و در جهت وحدت فرهنگ ملی، بیش از پیش بکوشند.



Taknaz.ir

چرا دغدغه های تخریب میراث فرهنگی رهایمان نمی کند

علی رضا پورصباغ

برای نجات میراث فرهنگی خود، برای نجات یک خانه تاریخی، یک کاروانسرا و کبوترخانه، یک مسجد و مدرسه دوره قاجار هم باید جان کند و هر پاره ای این موجودیت ها را با هر وسیله ای که امکان پذیر است به دست آورد و حفظ کرد و شناخت. درست مثل قدحی بلورین، کوزه و جامی سفالین میراث نیاکان که بر سنگ شکسته است و هر پاره ای از آن در گوشه ای افتاده، مانند چینی بند زنی که می کوشد و می خواهد اجزای پراکندهٔ آن قدح و یا جام و ظرف سفالی شکسته را با کیمیای عشق به هم جوش دهد و آن را از نو بیافریند. تا این قدح و جام سفالین کامل شود. برای این مقصود او به تمام ذرات گمشدهٔ آن ها نیاز دارد. به همان شدت و میزان ما هم به همه آثار تاریخی خود نیاز داریم.

نیاکان ما در این سرزمین سخت کوشیده‌اند و با اندیشه و کار و تلاش مداوم، چه با افت و چه با خیز، پاسدار حلقه های اتصال فرهنگ ها و باعث استمرار فرهنگی در این سرزمین گشته اند. نقش تک تک ایرانی ها در این چرخه بس عظیم و قابل توجه است. باید مانند کسانی باشیم که چالش های پیش رو در عرصهٔ پرچالش منطقه ای و جهانی را در نظر داشته باشیم. و به حساسیتی که امروز در ایران و در سایر کشورهای جهان متوجه ارزش های نهادین میراث طبیعی و میراث فرهنگی و اصل جدایی ناپذیر این دو و نیز توجه اصالت و هویت سرزمین است، به شدت آگاه و بدان حساس بود.



بدون شناخت و آگاهی، و احساس مسئولیت، حساسیت مفهوم خود را از دست می دهد. ما از ارزش های یک شئی و بنا و تل باستانی، قلعه در حال ویران و خانه و کاروانسرایی که فرو می ریزد آگاهی داریم. متوجه ارزش های نهادین میراث هستیم. مردم صاحب اندیشه و خردورز، از جایگاه تاریخی کشورشان در قلب خاورمیانه و در متن جامعه جهانی آگاهند. به مرزهای دانش و دانایی رسیده اند.

نباید در اراده و عزمشان در صیانت از مواریث و مآثر فرهنگی میهنشان خلل افکنده شود. دغدغه ما، فاصله گرفتن مردم از میراث و تاریخ، روند رو به ضعف حافظه های مردم نسبت به مسائل تاریخی، شکاف بین مسئولان میراث با باستان شناسان داخلی، انفصال حلقه اتصال و پیوند باستان شناسان ایرانی با باستان شناسان جهان و در نتیجه بروز نبودن دانش باستان شناختی است. دغدغه ما برای این است که هر اثر تاریخی بیانگر هویت فرهنگی و تاریخی جامعه ماست و پاسداری از آن وظیفه و رسالت همه مردم جامعه است، وظیفه ای که فراموش کرده ایم.

زمینه برای حل عمده مشکلات جزیره خارگ فراهم است

استاندار بوشهر گفت: جزیره خارگ نارسایی‌های فراوانی دارد ولی با این وجود با تلاش‌هایی که تاکنون صورت گرفته زمینه برای حل عمده مشکلات آن فراهم شده است.

به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری بوشهر، دکتر مصطفی سالاری در نشست با مسئولان و معتمدان محلی جزیره خارگ اظهار داشت: همین که فضا ایجاد شده و مردم خارگ به صراحت مشکلات خود را بیان می‌کنند، یک افتخار بزرگ برای دولت تدبیر و امید است.

وی بیان کرد: مشکلات کنونی جزیره خارگ در سال‌های گذشته نیز وجود داشته و اگر در آن سال‌ها بخشی از این مشکلات با جدیت حل می‌شد، امروز شاهد انباشت چنین مشکلاتی نبودیم.

دکتر سالاری گفت: با این وجود برای حل مشکلات این جزیره تاکنون پیگیری‌های خوبی صورت گرفته که گرچه نتیجه آنها در برخی از بخش‌ها ملموس نیست ولی می‌توان در آینده نزدیک ثمره این پیگیری‌ها را مشاهده کرد.

استاندار بوشهر خاطرنشان کرد: آب، برق، فاضلاب، حمل و نقل دریایی، بهداشت و درمان، اورژانس هوایی، خدمات رفاهی و شهری از جمله مشکلاتی است که برای حل آنها اهتمام ویژه داریم.

احداث سه نیروگاه شش مگاواتی تولید برق در خارگ

دکتر سالاری یادآور شد: در بخش تامین آب و برق جزیره خارگ در پیگیری‌هایی که از طریق وزیر نیرو صورت گرفته مقرر شده تا دو ماه آینده زمینه عملیات احداث سه نیروگاه شش مگاواتی تولید برق با قابلیت تولید آب در این جزیره آغاز شود.

وی گفت: میزان مصرف برق جزیره خارگ ۱۱,۵ مگاوات است ولی با توجه به متصل نبودن برق این جزیره به شبکه سراسری احداث یک نیروگاه شش مگاواتی مازاد بر نیاز آنها پیش بینی شده تا در موقع خرابی و یا تعمیر یکی از دو نیروگاه شش مگاواتی، شاهد قطع برق در این جزیره نباشیم.

ترمیم و نوسازی شبکه انتقال آب جزیره خارگ

استاندار بوشهر ادامه داد: شبکه انتقال آب در سطح خارگ نیز فرسوده است و با توجه به اینکه میزان هزینه تولید هر مترمکعب در آنجا ۳۰ هزار ریال است برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفته تا با تامین اعتبار مناسب زمینه ترمیم شبکه انتقال آب جزیره نوسازی و ترمیم شود.

دکتر سالاری عنوان کرد: برای حل مشکل اورژانس هوایی جزیره خارگ نیز با مهیا شدن بالگرد هلال احمر استان بوشهر امکان خدمات شبانه روزی آن در سطح استان و بویژه خارگ فراهم خواهد شد.

اعتبار ۵۰ میلیارد ریالی برای ارائه خدمات حمل و نقل دریایی در خارگ

وی افزود: از سوی سازمان بنادر و دریانوردی کشور نیز ۵۰ میلیارد ریال اعتبار مصوب شده تا از این طریق با حمایت از بخش خصوصی و تعهد گرفتن از آنها در زمینه ارائه خدمات حمل و نقل دریایی به ساکنان خارگ مشکل حمل و نقل دریایی این جزیره برطرف شود.

دکتر سالاری بیان کرد: همچنین درصدد هستیم که با کوچک‌تر کردن شناور مسافربری (شناور با قابلیت حمل مسافر کمتر) ویژه جزیره خارگ امکان افزایش نوبت خدمات دهی آن را فراهم کنیم.

افزایش حق آلایندگی جزیره خارگ

استاندار بوشهر گفت: در موضوع افزایش خدمات شهری نیز پیش بینی شده تا با افزایش ۱۰ تا ۱۵ برابری حق آلایندگی برای این جزیره زمینه ارائه خدمات مطلوب‌تری برای ساکنان این جزیره فراهم شود.

وی یادآور شد: درآمد شهرداری خارگ با رعایت مکانیزم لازم و در چارچوب قانون تا میزانی افزایش می‌یابد که این شهرداری ظرف یکسال آینده برای انجام هر ماموریتی با مشکل مالی مواجه نشود.

استاندار بوشهر ادامه داد: افزایش اعتبارات جزیره خارگ به شیوه‌هایی صورت می‌گیرد که تا سال‌های متمادی تداوم داشته باشد و با تغییر مدیریت نیز کاهشی در میزان اعتبار آن ایجاد نشود.

وی اظهار کرد: موضوعات تصویب طرح جامع شهری خارگ، اصلاح موج شکن، ایجاد اسکله صیادی و اجراح طرح تحول نظام سلامت در این جزیره نیز با پیگیری‌هایی که صورت می‌گیرد، تسریع خواهد شد.

دکتر سالاری بیان کرد: در موضوع فعالیت پزشک قانونی نیز از طریق مذاکره با سازمان پزشکی قانونی تلاش خواهیم کرد زمینه ارائه خدمات آن در جزیره خارگ فراهم شود.

وی یادآور شد: در ارتباط با فعالیت شناورهای کوچک صیادی در جزیره خارگ نیز چنانچه فعالیت مالکان شناورها تنها در حوزه صیادی باشد در زمینه فعالیت آنها برای صید ممانعتی وجود ندارد.

هدیه مادر نخستین شهید جزیره خارگ به استاندار بوشهر

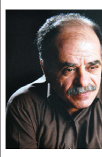
استاندار بوشهر ادامه داد: در موضوع درخواست‌های مردمی برای بازگشت حجت‌الاسلام موسی کمالی امام جمعه مستعفی خارگ نیز اعتقاد داریم هیچ فردی دلسوزتر و متعصب‌تر از او برای خارگ نیست، با این وجود بازگشت وی در حوزه اختیار استانداری نیست.

در این نشست همچنین بخشدار، شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر خارگ همراه با شماری از معتمدان محلی مشکلات این جزیره را مطرح کردند.

در حاشیه این نشست هدیه مادر شهید ملاح زاده (نخستین شهید جزیره خارگ) توسط یک شهروند جزیره خارگ به استاندار بوشهر اهدا شد.

راپورت های مسترچیک از رویدادهای فارس و بوشهر در جنگ جهانی اول (۴۹)

بوشهر خمیازه از روی خستگی و چشم به فارس و رویدادهایش



گزارشات هربرت چیک ویس
کنسول انگلیس در بوشهر
ترجمه: افشین پرتو
منبع: دانشنامه بوشهر

پنج شنبه ۴ دسامبر ۱۹۱۷

هفته ی پیش به بوشهر بازگشتم. سفر خوب و پرثمری بود. من گزارش کاملی از رویدادهای بوشهر و فارس و سواحل شمالی خلیج فارس دادم و ژنرال سرپرسی سایکس اطلاعات گسترده ای درباره ی توان قوا در نیمه ی جنوبی ایران و رویدادها و دلایل پدید آمدن اتفاقات و راههای جلوگیری از آغاز آن اتفاقات و راههای پایان بخشیدن به آن ها داد و سرانجام راهکارهای نوینی برای نظارت من بر منطقه ی زیر نگاهم و عملیات زیر فرمان سایکس مطرح شده و تصمیمات تحت حمایت فرمانروایی هند به ما ابلاغ شد.

خبرهای انباشته شده از این دو سه هفته ای که من در هند بودم حاکی از اوج گیری بحران درگیری قدرت در گیلان و دگرگونی ها در تهران است. مقرر شده که به باراتف برای عبور از گیلان جهت رفتن به قفقاز برای پیوستن به نیروهای روسیه ی سفید کمک شود. نام ژنرال دنسترویل بر سر زبان هاست. باراتف راهی گیلان است و آخرین خبر رسیده حاکی از تصمیم حکومت جمهوری گیلان به ممانعت از عبور نیروی زیر فرمان باراتف است.

علاء السلطنه از نخست وزیری برکنار شده و دولتی به ریاست عین الدوله بر سر کار آمده است. احتمال خروج روسیه از جنگ ترکیب قدرت نظامی را در بیشتر جبهه ها بر هم خواهد ریخت و این می تواند از نیروی ما برای حضور در اوضاع ایران بکاهد. باید زمینه را برای رفع ناآرامی ها جهت کاستن از نیازمان به نیروی نظامی بیشتر در منطقه فراهم کنیم.

پنج شنبه ۱۸ دسامبر ۱۹۱۷

بحران در تهران بالا گرفته و آشکار شده که عین الدوله توان غلبه بر اوضاع را ندارد. خبرهایی از پا نهادن بلشویک ها و فرستاده هایشان به گیلان از طریق مایرلینگ به ما رسیده. مایرلینگ در تلگرامش اطلاعات گسترده ای درباره ی حضور عناصر تازه ای از سوی آلمانی ها و عثمانی ها در گیلان داده و احتمال افزایش عناصر آلمانی و عثمانی را در غرب و جنوب ایران مطرح نموده و خاطرنشان کرده که خبرآورهایش از راهی شدن ده آلمانی به قصد فارس از استانبول به وی خبر داده اند.

بافت اجتماعی شمال و جنوب ایران تفاوت خود را به نمایش گذاشته. در گیلان میرزا کوچک و همراهانش درصدد تقسیم زمین های خان ها و ارباب ها میان مردم اند و در فارس بافت توانمند خان ها همه چیز را در اختیار دارد، ولی در این دو دنیای متفاوت عناصری از آلمانی ها به فعالیت مشغول اند.

سه روز پیش عین الدوله از ریاست دولت تهران کنار رفت و وثوق الدوله مامور تشکیل دولتی تازه شده است.

بوشهر خمیازه ای از روی خستگی می کشد و چشم به فارس و رویدادهایش دوخته. بازار تجاری بوشهر هراسان از نتیجه ی رویدادها فعالیتی ندارد. بیکاری و بی درآمدی شهر را به هراس انداخته است. هراس پدید آمده وحشت دوباره برپا خاستن و پدیدآمدن ناآرامی را دامن می زند. خان های شورشی با هم در تماس و گفت وگو هستند. خبرها حاکی از پدید آمدن زمینه ی برپاگشتن ناآرامی و شاید شورشی دوبار است. این روزها بیشتر نام غضنفرالسلطنه ی برازجانی به گوش می رسد. ناآرام گشتن برازجان شدیدا تردد در جاده ی بوشهر به شیراز را تحت تاثیر قرار خواهد داد. سایکس از داگلاس خواسته که منطقه ی کرانه ای بوشهر و راه ارتباطی بوشهر به برازجان را تحت کنترل شدید ولی نامحسوس نیروهای زیر فرمان خود درآورد. ملاهای پنهان و خموش مجددا سر و کله شان پیدا شده است.

نسیم جنوب

۴

سالکوچ آتشی

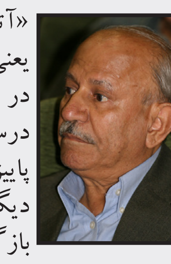
شماره ۷۹۴ یکشنبه ۱ آذر ۱۳۹۴

NASIM JANOUB

به مناسبت۲۹ آبان سالروز درگذشت شاعر بوشهری ایران زمین منوچهر آتشی

آهنگ دیگر و آهنگی دیگر

دکتر سیدجعفر حمیدی



«آتشی» کتاب «آهنگ دیگر» یعنی نخستین کتاب خود را در پاییز ۱۳۳۸ منتشر ساخت و درست در ۴۶ سال بعد یعنی در پاییز ۸۴ با رفتن خود «آهنگی دیگر» سر داد؛ آهنگ سفر بی بازگشت. اما چنان که می دانیم برای ادیبان و متفکران و اندیشه وران و اولیاءالله سفر نهایی، بی بازگشت نیست، زیرا که جاودانگان تاریخ با روح شان زنده اند نه با جسم شان. جسم، فانی است و روح باقی.

«آتشی» در مهرماه سال ۱۳۱۰ در روستای «دهرود» از توابع بوشکان شهرستان دشتستان زاده شد و در روز یکشنبه ۲۸ آبان ماه ۱۳۸۴ سه روز پس از عمل سخت جراحی و برداشت یک کلیه به سبب ایست قلبی در بیمارستان «سینا»ی تهران آهنگ رفتن کرد.

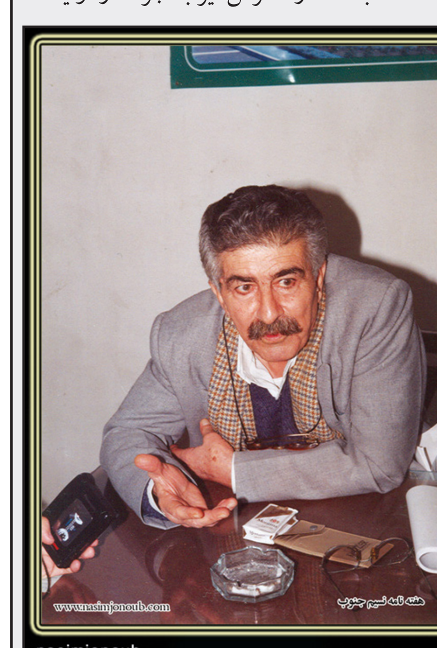
«آتشی» در اولین شعر کتاب «آهنگ دیگر» گفته است:

«من آمدم تا بگذرم چون قصه ای تلخ / در خاطر هیچ آدمیزادی نمانم / ننشسته ام تا جای کس را تنگ سازم / یا چون خداوندان بی همتای گفتار / بی مایگان را از ره تاریخ رانم».

و در واقع «آتشی» نیامده بود تا جای کسی را تنگ سازد یا بگیرد و در مدت ۷۴ سال زندگی به کسی آسیبی نرساند و قصد گرفتن جای کسی را نداشت و اگر چه در طول سال ها، مشکلات و مشقات فراوان دید و حتا سخنان ناگوارتر بسیار شنید، اما هیچ گاه گِله و شکایتی از روزگار یا از کسی نداشت. او خَود در آغاز گفته بود:

«من می روم تا شاخه ای دیگر بروید / هستی مرا این بخشش مردانه آموخت»

«آتشی» اگر چه از مال دنیا چیزی نداشت، اما همت مردانه به او اجازه می داد تا در هر شرایطی لبخند بر لب داشته باشد. در شعرش نیز به جز آثار اولیه که



از واژه های یأس آمیزی مثل «بخور یأس»، «قصه ی تلخ»، «سنگ های عبوس»، «آه سرد حسرت»، «نفس های سیاه»، «پاسخ شوم»، «سکوت غریب» و... استفاده کرده، در بقیه ی اشعارش کم تر بوی یأس و نومیدی به مشام می رسد. بدین ترتیب غم و اندوه در اشعار «آتشی» راه ندارند و در شعرش نشاط و طراوت موج می زند. او همیشه به همت بلند و عزم سترگ می اندیشید، اما شاید در همان زمان این تفکر را داشته که از گذران سفری شوم، توانی برایش نمانده است.

«در انتهای این سفر شوم / دیگر مرا نمانده توانی/ زان باغ شعله های گل انگیز / در سینه ام نمانده نشانی»

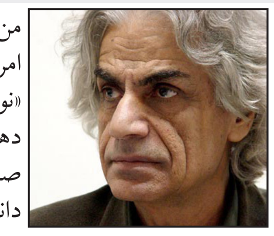
«آتشی» بیش از پنج دهه در شعر فارسی معاصر درخشیده و تأثیر فراوانی بر روی شعر فارسی به ویژه شعر معاصر داشته است.

«سرد و خموش و تیره اجاقی است
افسانه ای که ماند از من
گر بگذرد نسیمی روزی
خاکستری نشاند بر من».

به مناسبت۲۹ آبان سالروز درگذشت شاعر بوشهری ایران زمین منوچهر آتشی

مؤلفه های نوآفرینی آتشی

علی باباچاهی



من آتشی را در شعر امروز ایران زیر عنوان «نوآفرین ها» قرار می دهم و نوآفرینی را صفت شاعرانی می دانم که در حرکتی جمعی، به تفاوت و تشخص فردی شعرشان اهمیت می دهند. از طرفی این شاعران، میانه ی خوبی با آوانگاردها دارند و از تأیید و ستایش آن ها دریغ نمی کنند، همچنان که آتشی غالباً از وجه جسارت آمیزی شعر نیما دفاع می کند.

نوآفرینی آتشی مؤلفه هایی دارد که به آن می پردازم:

۱ـ بومی گرایی یکی از مختصات شعرهای آتشی است. هیچ یک از شاعران جنوب مثل او نتوانسته به طبیعت جنوب این قدر نزدیک شود. از همین منظر شعر آتشی سهم صحرایی منطقه ی جنوب را به تصرف خود در می آورد و با دریا سَر و سر کمتری دارد. شعر آتشی به گل و گیاه و زنبور و پروانه، اسب و بز کوهی و به تمام عناصر طبیعت جنوب ایران عشق می ورزد و می توان گفت برای دیگر شاعران جنوب از این منظر چیزی باقی نمی گذارد.

۲ـ حماسه های محلی در شعر آتشی با قدرت بیان شگفت انگیزی شکل می گیرد به گونه ای که از یک جط زاده (شتربان) در عصر ضد قهرمانی ها، قهرمان محبوبی می سازد:

ـ عبدوی جط دوباره می آید!

فضاسازی و لحن بیان آتشی در این شعر ـ ظهور (عبدوی جط) ـ به گونه ای است که گویا با یک نجات دهنده ـ نجات دهنده در گور خفته است (فروغ) ـ رو به روئیم. قدرت و صمیمیت به شکلی است که به رغم تردید خواننده در قهرمان باوری، باز هم قهرمانیِ عبدوی جط متقاعدکننده به نظر می رسد.

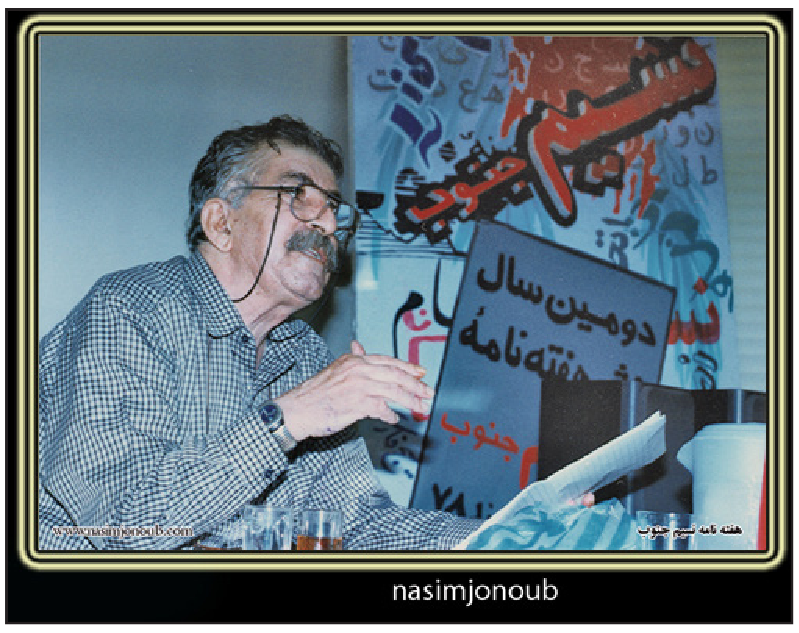
۳ـ آتشی شاعری متخیل محسوب می شود. تخیل در شعر آتشی از پهلوی واقعیت حرکت می کند. لینی اینکه او به واقعیت های موجود پر و بال می دهد. به طور مثال گرایش ها و فضاسازی های کافطلایی، بکتی و بورخسی در شعرش جایی ندارند که البته لازم هم نیست. شاعر ما با جابه جا کردنِ واقعیت موجود، شکل هنری واقعیت را نشان می دهد: در نیمروز عاطفه/ خورشید در شقیقه ی راست/ و قلب آفتابی در شقیقه ی چپ ات می کوفت.

۴ـ آتشی در زبان و بیان و به طور کلی در عرصه نوآوری به افراط کشیده نمی شود. او در همه حال اعتدال را نگه می دارد.

آتشی به درستی خود را شاگرد خلف نیما می داند، اما این شاگرد خلف معمولاً از جسارت ورزی های پدر در زمینه ی نحوستیزی و ترکیب سازی پرهیز می کند. شاعر جنوب و خوب ما ترس و تصور به دره افتادن را به خود راه نمی دهند، از این رو در راهی که در پیش گرفته همیشه موفق و سرافرازی است.

۵ـ آتشی به تعبیر خودش، نه سیاسیِ سیاسی است و نه عاشقِ عاشق. او در عالم زبان وَ معنا متعرض چیزی نیستَ، ستایشگر زیبایی و خوبی است و این در جای خود دارای اهمیت است. آتشی حضور شاعر را اعتراض به بدی می داند به همین دلیل ملزم نیست که خود را همسو با حرکت های معدود شاعرانی بداند که از منظر شعرهای رایج «بحران ساز» نامیده می شوند. آتشی به جای این گونه حرکت های جسارت آمیز که خالی از خطر و خسارت هم نیست، با دل و خاطری شفاف دست به دعا برمی دارد: ای برگ های سبز / دست مرا شفا بدهید / تا بوته های نور و طراوت را / در غارهای وحشت و خاموشی / به رشد آفتابی خویش یاری کنم.

۶ـ یکی دیگر از خصوصیت های هنری آتشی، فاصله گیری از مرحله هایی است که در شعرش پشت سر گذاشته است:



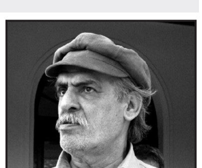
از کتاب های «آهنگ دیگر»، «دیدار در فلق» تا به بیانی دیگر می توان گفت فاصله گیری از بافت بیان فضاهای روستایی! آتشی بالاخره به این حقیقت دست می یابد که دشتی و دشتستان و عبدوی جط و اسب سفید ـ هر چند شعر برانگیز ـ اما محور جهان جهان نیستند. شهریت هم شعریت هایی دارد. به همین دلیل ـ البته با حساب و کتاب ـ از اسب سفیدش پیاده می شود و با اولین وسیله ی نقلیه ـ که البته سُم دار هم نیست ـ به طرف شهر (شعری از نوعی دیگر) حرکت می کند. در این مهاجرت دلخواسته، حتی هجران ها و عاشقانه سرایی های شاعرِ ما با عناصر جهان مدرن بیان می شوند.

او برای یکبار هم که شده برخلاف پدر شعرش ـ نیما ـ که غالباً به نکوهش شهر و شهری ها می پرداخت، به کشف زیبایی در متن شهر بزرگ می پردازد:

من اما ـ در همین شهر ـ / از بوستانی گذشتم و عشق را دیدم / که ناگهان از پس نارونی درآمد / با دامن گلی رنگ و بی عینک آفتابی / و لبخندی به سمت شاعر هفتاد ساله ای / شلیک کرد / و هوا ناگهان بارانی شد.

صداقت و تازگی و طراوت در شعر آتشی

ایرج صغیری



باید برگردم به سال های دور سال های مدرسه، سال های پُر از غبار حسرت که شاگرد مدرسه ای بودم در دبیرستان که آن سال ها نامش «پهلوی» بود و حالا «شریعتی» شده. آن زمان که بوشهر توسعه نیافته بود و خلوت بود و فقیر بود و گرم و دور بود و از یاد رفته و بر باد رفته. با این همه چه جهنم دلنشینی داشتیم ما؟! و خود ما معصیت کاران بی گناهی می دانستیم که تابستان، تمام عقده های باستانی اش را بر جگرگاه هامان آوار می کرد و ما در هُرم جانکاه و نفس گیر این سوختن ها سوداگر مهر بودیم؛ عاشق می شدیم و مهربانی می کردیم با آدم، با درخت، با خاک آتش خیز، با شرجی و خار، بلبل و چغول و حیوان و انسان.

اهلِ این دیار با هم بودیم و چون درخت تناوری یا گل نمی دادیم و یا اگر شکوفه ای می کرد این درخت، یکی شان برای مملکتی بس بود؛ چه در صحنه های تاریخ که بزرگانی چون «شیخ حسن آل عصفور»، «رئیس علی دلواری»، «باقرخان» و «احمدخان تنگستانی»، «شیخ حسین چاهکوتاهی»، «غضنفرالسلطنه»، «علی سمیل»، «غلامحسین سبزعلی»، «غلام باوفا» و... و چه در وادی هنر بی مانندانی چون «فایز»، «مفتون»، «شفیق»، «آتشی»، «چوبک» و... اما گویا خزون تو بهار بوشهر افتاده و لشکر مغول را از رو برده است، شکوفه های هیچ جا نیسته ی ما را بر باد فنا می دهد که خود آبروی فرهنگ کشوری به شمار می رفتند و می روند.

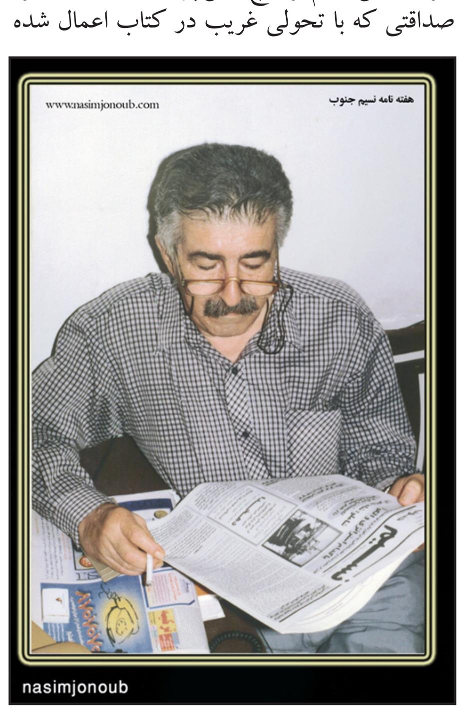
البته آنچه که از «آتشی» مرده است، استخوان های کهنسالی است بزرگ و پی دردمند مردمی بلند بالا که سنت طبیعت است و کاری از دست کسی بر نمی آید. ولی آن چه که از «آتشی» مانده مردنی نیست. از گوشت و استخوان جداست. سنت طبیعت نیز در برابر این وجه از مردان عاجز است.

همان اکسیر روح آدمی است که او را از سنگ و جانور و کرم و خاک جدا می کند. فرزندان این خاک نفس گیر، این خاک پاک عشق خیز، پرورش یافته ی باد و دریا و آتشند. در این وادی آتش پادشاهی می کند و باد فرمان می دهد و آب کیمیاست. با این همه فرزندان نجیب این دیار هر سه را مسخر کرده اند.

از پیر زالی که نان روزانه ی عیال خویش را از جگرگاه آب فرا می آورد تا دریانوردانی که با لنج هایشان بادهای لهیمر را شقه می کنند تا بازیاران نجیبی که زیر باران آتش خورشید دانه می کارند و جیلِم می کنند، بی گمان پیداست که اگر مردمی از فرزندان این اهل و این دیار اراده کند، در تاریخ این وطن عزیز قد راست می کند جاودانه. زیرا پشتوانه ای آن چنان دارد.

و «منوچهر آتشی» شعله ای از آتش همین ولایت است. وقتی که شعر گفتن را آغازید، زنگی به صدا درآمد، گویی که هان به هوش باشید، قافله سالاری نو فرمان تبیره را داد. چه هر آن چه گفته بود نو بود، تازه بود، همانندی نداشت که کسی بگوید مثل فلان کس شعر می گوید. نه! «آتشی» مثل «آتشی» شعر گفت. در کتاب هایش به ویژه سه کتاب اولش یعنی «آهنگ دیگر»، «آواز خاک» و « دیدار در فلق». او در این سه کتابش هیچ رنگ و ریایی را به یاری نطلبید.هر چه بود خودش بود و رنگ ها. رنگ همین اهل دیار و صداها صدای طبیعی بود که در طبیعت زادگاهش و شهرش شنیده بود. و از همین رو نو بود. و شگفتا که در کتاب اولش «آهنگ دیگر» گویا روزگار و آینده را دیده بود. پیشاپیش، شاعر، اتهام ها و تهمت ها را پاسخ گفته بود. «من نیامده ام تا جای کس را تنگ سازم / هستی مرا این بخشش مردانه آموخت / «حافظ» نیم تا با سرود جاودانم / خوانند یا رقصند ترکان سمرقند / ابن یمینم پنجه زن در چشم اختر / مسعود سعدم روزنی را آرزومند».

طراوت این کلام بر هیچ کس پوشیده نیست، به ویژه صداقتی که با تحولی غریب در کتاب اعمال شده



است. این کلام صادق و با طراوت، خاص فرزندان این دیار است. به «خنجرها، بوسه ها، پیمان ها» نگاه کنیم. چه می اندیشیده این شاعر تنها که چهل سال پیش گفته است:

«اسب سفید وحشی / منگر مرا چنین / مشکن مرا چنین / سینه نمانده تا خروشی به پا کنم... / دشمن کمین نشسته به پیکان سکه ها... / هر دست کو فشارد دست مرا ز مهر / مار فریب دارد پنهان در آستین/ اسب سپید وحشی / در بیشه زار چشمم جویای چیستی...».

این همه صداقت و تازگی و طراوت، ویژه ی شاعر یگانه ای است که درد اجداد خویش را در کوه و دریا و سبخ زار تجربه کرده است. با این همه کم نبودند بخیلانی که در گام های نخستین شاعر ما گفتند همین است و دیگر تکرار نمی شود... اما کتاب دوم او پخته تر، صادقانه تر و هنرمندانه تر از کتاب اول از راه رسید؛ «آواز خاک».

حالا باید آنان که او را نمی شناختند، بوشهر را بشناسند و فرزندان این دیار را. تفنگ و عشق و اسب و «عبدوی جط». شروه و آواز تی تروک ها که موسیقی شعر «آتشی» از نخلستان است و از گزدان، از دیزاشکن است و بردخون، از جم و ریز و دیلم. و وزن شعر او از نبض همین طبیعت گرفته شده استز با کتاب سوم «آتشی» دیگر هر تردیدی زایل شد. نه از آن جهت که جایزه ی بهترین کتاب سال را گرفت، بل که از آن روی که «آتشی» دیگر پخته و در اوج بود. «دیدار در فلق» سروده ی شاعری است شش دانگ، مستقلق و صاحب هویتی صاف و زلال. حالا دیگر یک سر و گردن از هم ردیفان خود برتر است. بعد از «شاملو»، شعر«آتشی» بود که توجه بیگانگان را جلب کرد و پس از «آتشی» نوبت به ترجمه ی اشعار شاعران روزگار حتا «سهراب سپهری» شد.

چرا شعر «آتشی» این قدر قرص و محکم، این قدر پاک و زلال و بی نقص؟ فقط از این روی که صادقانه طبیعت و مردم دیار خود را شعر کرد. رنج بازیاران خسته، اندوه ماهیگیران دردمند، عشق های خونین، تعصب ها، غیرت ها و مهربانی ها و مهربانی ها و مهربانی ها. به حرمت این واژه های پاک و صادق و خالص است که «آتشی» چون آتش جاویدان دانسته می شود. او توانست دیار خویش را شعر کند و رنجی را تبلور ببخشد که خالوهایش با آن آشنا بودند. سلامی کند که عموهایش می کردند. کریمانه سفره اش را باز می کند، زیرا سفره ی بسته را ندیده است. «آتشی» و نام «آتشی» و شعر و هنرش از این مرز و بوم فراتر رفت. به همین جهت و به همین دلیل. هر هنرمندی که بخواهد هنرش اندوه جهانیان را واگویه کند، بی گمان باید پیش تر اندوه دیار خویش را باز شناسد و همان را پژواک کند که اگر در این وظیفه صادق بود و بی غل و غش، هنرمندی جهانی و عالم گیر است. شاگرد مدرسه ای بی خبر، ساده با ذهنی خالی و پاک بودم که هم کلاسی هایم زمزمه کردند امروز یک شاعر می آید درس مان می دهد. اما «آتشی» آمد. مردی بلند قد، با کت و شلوار و عطر و ادکلن. مثل خیلی از معلم های دیگر.

گفتم پس کو شاعر؟ در رؤیاهای من شاعر کسی است که همسایه ی «حافظ» باشد. هم کلاس «سعدی» و رفیق «فردوسی». اما این آقای کت و شلواری یک مرد ساده است، مثل معلم های دیگر. از همان ها که گفتند امروز یک شاعر سر کلاس مان می آید، پرسیدم: مگر نگفتید شاعر، پس کو؟ نمی توانستم قبول کنم، اصلاً باور نمی کردم یک آدم معمولی هم بتواند شعر بگوید.

خیلی گذشت تا فهمیدم که درست اندیشه کرده بودم. «آتشی» مثل هیچ شاعری نبود، نو بود، تازه بود. با شعرها و حرف های تازه. در شعر او نام پرنده هایی را می دیدم که دوست شان داشتم. عجب، چه قدر واژه ی بازیار، جط، گز، گراز، کاپو، زنگل، شروه، تی تروک و... چه قدر این کلمات شاعرانه اند و من غافل بودم.

آتشی؛ آهنگی دیگر در میان شاعران...!

نوشته ای از شادروان محمدحسن آرش نیا



این نوشته، ارزیابی کوتاه و شتابزده ای است درباره سه کتاب اول «آتشی» «آهنگ دیگر»، «آواز خاک»، «دیدار در فلق» که به علت ناگهانی بودن خبر درگذشت و مجال اندک تا انتشار ویژه نامه بدین گونه نوشته شده است.

بی گمان «آتشی» یکی از قطب های اصلی شعر معاصر ایران و از جمله معدود شاعران معاصری است که باعث ماندگاری و تثبیت شعر نو (شعر نیمایی) ایران شده است. شعر او به گونه ای است که گویی مخاطبان آن مردم تمام جنوب های دنیاست. دشت های بریان، درخت های تشنه، پرندگان در به در و پَر سوخته و مردم ساده و صبور جنوب همه در شعرهای او به عنوان سمبل های اجتماعی هستند. او به علت استفاده ی صمیمانه از این عناصر و به علت تأکید بر روی وحشی کردن دنیای شاعرانه ی خود، شاعری ست غیر شهری با یک جهان بینی طبیعی – تجربی که از دینامیک ترین اجزاء طبیعت در شعرهایش استفاده کرده است.

در میان شاعران شروع شعر فارسی از قبیل «رودکی»، «منوچهری»، «فرخی» و «فردوسی» که هر یک در شاعری کاری منحصر به فرد ارایه نموده اند، یکی «منوچهری دامغانی» است که با سرودن شعر ناب و نزدیک ترین شعر به طبیعت، شاعر طبیعت لقب گرفته است. از آن جمله شعر «سپیده دم» با این مطلع:

«چو از زلف شب باز شد تاب ها
فرو مرد قندیل محراب ها»

و قصیده:

«الا یا خمیگی خیمه فروهل
که پیشاهنگ بیرون شد ز منزل»

و شعر وصف شب:

«شبی گیسو فروهشته به دامن
پلاسین معجر و قیرینه گرزن»

از آن پس تاکنون کمتر شاعری مثل «منوچهر آتشی» توانسته است این همه شعر را به طبیعت نزدیک کرده و از زبان طبیعت شعر بگوید.

در شعر «آتشی» انسان مقهور طبیعت است و او بر دورترین و کمیاب ترین مشترکات میان انسان و طبیعت انگشت گذاشته است. در شعر وی، صنایع ادبی چندان رنگی ندارند، زیرا شعرها ذاتی هستند و سیر تکاملی به صورت طبیعی طی کرده اند و نیز تغییراتی که در شعر «آتشی» دیده می شود، کمتر نتیجه ی فشارهای بیرونی و دگرگونی های اجتماعی و سیاسی زمانه اش بوده است، بلکه این تغییرات ناشی از دگرگونی در جمال شناسی هنر اوست.

«آتشی» در سه کتاب اولش («آهنگ دیگر»، «آواز خاک»، «دیدار در فلق») عناصر اصلی شعرش را در مناطق روستایی از میان توده های بومی و راه و رسم خاصی که در زندگی این مردم است، انتخاب کرده است؛ مردمی که نوع لباس، شیوه ی سخن گفتن، سنت ها، فرهنگ شفاهی و هنرهای عامیانه شان از تأثیر فرهنگ شهری دور مانده است. او شاعر دلتنگی های روستا و تنهایی و گمنامی روستاییان است: «من یار آنانم که زیر آسمان کس یارشان نیست»، یا «ای نخل های سوخته در ریگ زاران / حسرت میاندوزید از دشنام هر باد/ زیرا اگر در شعر حافظ گل نکردید / شعر من این ویرانه پرچین شما باد»، یا «من راندگان بارگاه شاعران را / در کلبه ی چوبین شعرم می پذیرم».

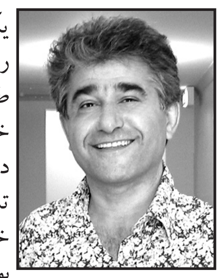
شعر «آتشی» معجون غم و افسردگی پُر از تمنایی است که از ویژگی های مردم جنوب ایران می باشد. او به خصوص در کتاب اولش – «آهنگ دیگر» – به محو و نابودی کلیه ی زیبایی هایی که نزد او گرامی هستند، می پردازد و بر مرگ شان ندبه سر می دهد. درباره ی روستای زادگاهش که یک شب با پای خیال به آن جا سفر می کند این گونه می سراید: «این است آن بهشت که می جستم / این بقعه ی خرابه ی خاک آلود / زرینه گاهواره ی من اینجاست؟ / دیرینه زادگاه من اینجا بود / – گر این سیاه سوخته دل آن است / آن شورها و هلهله هایش کو / ناقوس اشتران ز چه خاموش است / غوغای در هم گله هایش کو / کو اسب های چوبی من ای وای / هم بازیان هرزه کجا رفتند / دیگر صدایشان به کوچه نمی پیچد / آخر کسی نگفت چرا رفتند /– شب شیر گوسفند سپیدش را / دیگر به دیگ کوه نمی دوشد / و آواز کبگ در دل کوهستان / چون چشمه های تازه نمی جوشد». از این گونه مرثیه ها که نشان داغداری سراینده آن ها به خاطر از دست رفته هاست در سایر شعرهایش به وفور یافت می شود.

زبان «آتشی» غنی است و این غنای لفظی در هاله ای از خشونت حماسی نشسته است. ساخت دورنی و بُرش عمقی شعر «آتشی» به گونه ای ست که برایَ کمتر شاعری قابل تقلید است.

اولین کتاب «آتشی» «آهنگ دیگر» در واقع آهنگ دیگری بود از لابلای آهنگ های فراوانی که بعد از «نیما» سرودن آغاز کردند.

گردشگری و سینه پر درد نگهبانان میراث فرهنگی

دکتر محمود دهقانی



یکم تیرماه در واپسین رمق روز که آفتاب به گونه تشت طلا به آب های نیلگون خلیج من رنگ نارنجی داده و گرمای سوزان و تش بادهای دگرگون کننده خارگ به دمباز نخل های بوشهر این بندر پیر و رنج کشیده ی نیک پی، فرو نشسته بود هواپیمای «هما» با غناهشت گوش خراش که نشان از سن و سال ساخت خود داشت، در فرودگاه بوشهر به زمین نشست. دید و بازدیدها که پایانی نداشت، خوراک قلیه ماهی، سبزی های کاکول و منگک را سرانجام پس از یک هفته رها کردم تا سری به ساختمان های یادگار شاه عباس یکم در بهشهر مازندران بویژه «چشمه عمارت» (کاخ چشمه)، شاهکار معماران صفوی آن روزگار بزنم و از آنجا به دهدشت کهگیلویه و بویراحمد بروم و دوباره بافت کهن جا مانده از روزگار صفوی در دهدشت کنونی و به گفته ابن بلخی در سده پنجم، «بلاد شاپور» (شهر شاپور) روزگار ساسانی را ببینم و از حاصل چند سفر و دیدار با ساختمان های کهن این دو استان، قلم پر درد در دوات مرثیه فرو ریزی ساختمان ها و میراث معماری بزنم که تیشه کینه به ریشه آن ها زده می شود و همه چیز در حال نابودی و سائیده شدن است.۱

با آن که بلیط سفر با هواپیما از کشور به کشور تا ایران و از شهر به شهر در درون ایران راست و ریس بود و ساعت و روز پرواز نیز در چمبره الکترونیک در برون مرز از سیدنی به توکیو و از آنجا یک نفس تا دوبی و تهران به بوشهر نمایان، اما کارمندان دفتر «هما» گفتند در رایانه های ما جا نیفتاده و باید از همین بوشهر ساعت و روز مبارک پرواز از نو گنجانده شود. سرانجام پس از آن که خشم و دندان قروچه تلفنی من ره به جائی نبرد، سوار رخ برشته ای با موتورسیکلت زنگار بسته از دفتر هواپیمائی بلیط از نو نوشته ای برای پروازهای درونی به خانه ما آورد.

با کوله پشتی آمدم فرودگاه تا نخست به تهران و از آنجا به ساری مازندران و پس از آن راهی دهدشت در استان کهگیلویه و بویراحمد بشوم. در تالار فرودگاه بوشهر نمی دانم آتش درونی من بود یا ایرادی که در درازنای تاریخ دامنگیر تاسیسات فرودگاه های کشور است، هوای درون تالار خنک نبود و با بسته و باز شدن در ورودی تالار، تش باد بر گرده ام شلاق می زد وپوست بدنم را بیشتر از پیش می برشت.۲

از تهران بزرگ خواهر دوقلوی شهر «شانگهای» چین، که زیباتر از گذشته شده اما چند برابر کشورهای اسرائیل و لبنان جمعیت دارد اتوبوس به راه افتاد و با بدرقه قله دماوند، من و مسافران اتوبوس راهی ساری شدیم. جنگل های سرسبز شمال بر رنگ نخودی جنوب خاطرم پرده کشیدند. ساری شهر دلنشینی است که هیچوقت از ورود به آن پشیمان نشده ام و همیشه هنگام ترک این شهر، لشکر غم بر دلم خیمه می زند. خیابان فرهنگی یادگار دیرپای این شهر را بارها پیاده طی کرده ام و هر بار بیشتر از پیش از زیبائی آن لذت برده ام.

در بهشهر همسایه دیوار به دیوار بندر فرح آباد حاشیه دریای مازندران هوا شرجی و تب دار بود اما باران دانه درشت هم یکریز بر سر بی پناهم می بارید. در کنار نهر پر آب «باغشاه» (پارک ملت) که روزگاری جهانگردان، بازرگانان و فرستاده های اروپائی برای باریابی به حضور شاه عباس یکم به آن پا گذاشته بودند، در زیر باران آهسته گام بر می داشتم تا تاثیر گرما و تش باد بوشهر را بر بدنم رم بدهد. از درختان سرو روزگار صفوی یکی دو تا از تبر روزگار جان بدر برده و تنومند و استوار در باغشاه بر جا مانده اند. ساختمان دیوانخانه شاه عباس با نمای امروزی دفتر شهرداری بهشهر نیز در این باغ بیننده را بر بال خیال تاریخ پر می دهد. کرشمه لعبتان گرجی و شکوفه های بهار را هنوز هم می شود همراه با بوی دل انگیز گل ها در سپیده دم باغشاه بهشهر حس کرد. اگر از ته دل گوش بخوابانی نواهای کمانچه و چنگ و نی و تار، به هنگام شادنوشی شاه عباس در گوشه و کنار این باغ عدن گون به گوش می آید. جای شمع ها در کنار نهرها که در هر یک متر روزگاری شب تاریک باغ را روشن می کرده اند برجا مانده است. آهوان و قوها و پرندگان بومی دیگر نیز نماد گذشته این بهشت زیبای امروز شهر بهشهر هستند و در زیر یک سایه بان آهوان لم داده و برای خود نشخوار می کردند.۳

در کنار این باغ زیبا و پر از جویبار و فواره آب، کاخ چشمه بهشهر اوج هنر روزگار صفوی را به نمایش گذاشته است. پیش از انقلاب بازسازی کاخ چشمه آغاز شده بود اما پس از انقلاب بدلیل جنگ هشت

قنبر فرزین نیا . نگهبان بافت تاریخی دهدشت



ساله کار بازسازی ادامه نیافت. پس از جنگ بازسازی آن پیش افتاد و ادامه پیدا کرد اما هم اکنون کار به گونه گذشته پیش نمی رود. چشمه ای از روزگار نخست در دل ساختمان حوض درون را سرریز می کند. روشن نیست جریان آب این چشمه به کاخ کشانده شده و یا آن که خود جوش است. اما روشن است سرچشمه آن چشمه های کوچک فراز کوه و جنگل بوده، همدست شده به تالار همکف ساختمان در شهر بهشهر راه یافته است. گردش آب در کاخ چشمه و سد کاخ «جهان مورا» عباس آباد از هنرهای بسیار زیبا و شگفت معماری روزگار صفوی در مازندران است. در کاخ چشمه آب از فراز کوه سرازیر شده در چشمه تالار همکف بدون هیچگونه ابزار برقی به اشکوب بالا می رود و در حوضچه ها به گردش درآمده، دوباره به اشکوب هم کف برمی گردد و در نهرهائی از ساختمان بیرون رفته و با گردش در باغ کاخ، راهی شالیزار می شود.

رمز بر جا ماندن کاخ چشمه قرار گرفتن در یک گوشه شهر است که کمتر مورد یورش قرار گرفته هر چند در روزهای نخست انقلاب مورد سودجوئی سوداگران بوده و برخی خودسرانه در زمین های آن خانه برای خود ساخته اند. نگهبانی که پیش از انقلاب از آن نگهداری می کرده سنگ تمام گذاشته و همه را گزارش داده اما در سرآغاز انقلاب کارهای ناشایست بسیاری با آثار تاریخی شد. پس از درگذشت او فرزندش اسماعیل حدادی، نگهبان ساختمان شده است. هر بار که به بهشهر سفر می کنم بر سر چشمه درون کاخ با این نگهبان با چای همیشه دم او به گفتگو می نشینم.

آقای اسماعیل حدادی، نگهبان کاخ چشمه بهشهر می گفت: پس از انقلاب خیلی ها شبانه می آمدند که قاچاقی در پیرامون کاخ زمین را برای گنج شاه عباس بکاوند اما جلو آن ها را گرفتم. عده ای آمدند و گفتند زیر کف حوض ها گنج است بگذار زمین را بکنیم و در بیاوریم با هم تقسیم کنیم. بارها آمدند و با دلگرمی از من خواستند تا به خواسته ها گردن بنهم، اما نگذاشتم بیل یا کلنگ قاچاقی بیرون یا درون این کاخ فرو کنند. در روزهای نخست انقلاب می آمدند و خیلی کارهای غیر قانونی می کردند. من آن ها را گزارش می دادم اما همه می گفتند اجازه دارند برای نمونه برداری کاشی بکنند یا سنگ جابجا کنند. جلو همه می ایستادم اما آن ها که مدرک و کاغذ داشتند دیگر از دست من کاری بر نمی آمد. سرانجام در روزگار سرپرستی دلسوزانه بانو سهیلا رجائی علوی، همراه با مهندسان و کارکنان مازندرانی میراث فرهنگی که جای «سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران» را گرفت، برای جلوگیری از سوداگران کمک کردند اما چه سود دیگر خیلی از کاشی ها و سنگ ها را پیش از آن ها برده بودند. آنچه هست با خون دل از آن نگهبانی کرده ام و تا زنده ام مثل پدرم از این کاخ مواظبت می کنم. گل گچبری های قرمز رنگ و تکه های کوچک کاشی های روزگار صفوی را در تاقچه نشانم می دهد و به ایوان ها اشاره می کند که همه تزئینات و کاشی های خوشرنگ به گونه این تکه ها داشته اند اما همه را به نام مسئول آمدند کندند و نمی دانم کجا بردند.

با آوازهای درهم پیچیده پرندگان بر شاخه های درختان پیرامون کاخ، در پسین گاه دل انگیزی که بعد از باران بوی نمناک خاک در هوا پراکنده بود با آقای اسماعیل حدادی خداحافظی کردم و کاخ چشمه بهشهر که روزگاری شاه عباس و همراهان او در آن به شادی می پرداختند و شراب شیراز می نوشیدند را من با خوردن خون دل ترک کردم و به ساری آمدم و فردای آن روز روانه تهران شدم تا از آنجا به یاسوج پرواز کنم.

در فرودگاه تهران با پروازی که چند روز پیش از آن، از بوشهر با دندان قروچه ترتیب داده بودم نیز نتوانستم به یاسوج سفر کنم. هنگام درد دل با مسافر بغل دستی پیشنهاد او این شد تا بروم از میز پذیرش بخواهم بلیط را با پرواز تهران به اهواز عوض کنند چرا که با اتوبوس فاصله جاده یاسوج به دهدشت و اهواز به دهدشت کم و بیش به یک اندازه است. در نگاه ناباور من که آخر چگونه چنین چیزی امکان دارد، به چهره ام زل زد و با تبسمی کشدار گفت: اینجا در سرزمین ما همه راه ها برای رسیدن است. پس از آن بلند شد و باز هم نگاهی به سر و رویم انداخت و پرسید: ایران نبودی، تازه آمده ای؟ وقت کشی نکن! پدرتان کی رحمت خدا رفته؟ گفتم: سال هاست عمرش را به شما داده! و سرانجام با چند جمله او که من از هیچ کدام سر در نمی آوردم به میز پذیرش گفت که پدر سال ها مرده این آقای مسافر زنده شده و در اهواز است و می خواهد مسیر پرواز را تغییر بدهد. مشگل گشوده شد و بخت یار افتاد و جا گیر آمد و ساعتی پس از آن به جای یاسوج به اهواز پرواز کردم تا از آنجا راهی دهدشت شوم.

شهر دهدشت پیش از آنکه شهری در استان کهگیلویه و بویراحمد باشد، روزگاری از شهرهای استان خوزستان بود. دهدشت با مردم صمیمی و یکرنگ خود به گونه گل های شاداب کوه گیلویه، در حاشیه تندار قالی باستانی «انشان» و میان رودان (بین النهرین) خوش می درخشد و از شهرهائی است که می بایست از سر و روی آن غبار زدوده شود. باید سنگ نگاره های بخش «لیکک» که گفته می شود از روزگار اشکانی است، سنگ نبشته های باستانی شاهزاده «ایلمائید»، سنگ نگاره های تنگ «سروک» را برای گردشگران برجسته نمود.۴

در آنجا باید شیهه اسبان شاهکان ساسانی، و پیش از آن اسب های رهوار چاپار هخامنشی استخر به «انشان» و سپاه «شاهیسون» شاه عباس در پیمودن راه اصفهان پایتخت خود به شاخاب فارس و سواران پر شتاب گل سر سبد تاریخ لر، لطفعلی خان زند، دوباره بر گستره فرش خوشرنگ روزگار دهدشت در کهگیلویه و بویراحمد بلند شود و برجسته به نمایش گذاشته و گردشگران را به سوی آن بکشاند چرا که چاه های نفت رو به خشکیدن هستند و اکنون که دیگر بهانه ای برای تحریم ها نیست، نوبت بازسازی علمی ساختمان های تاریخی و آثار باستانی و پیشبرد صنعت گردشگری است.

هوای دهدشت بشدت گرم و سوزان بود. در سمت باختری بافت کهن و در نزدیکی امامزاده جابر، یک کاروانسرای زیبا با یک حلقه چاه آب شیرین به گونه همه کاروانسراهای روزگار صفوی جای آسایش و درنگ کاروان هائی بوده که از هر سوی دهدشت با پیمودن پنجاه فرسخ به شهرهای بزرگ و بلند آوازه استخر، اصفهان و اهواز می رفته اند. پس از خیابان خاوری بافت، گرمابه ای هست که در پیرامون آن به گفته سالمندان بازار گیوه بافی قرار داشته است. از این که دهدشت بر سر راه شهرهای پرآوازه قرار داشته بنابراین بازار گیوه بافی آن پر رونق بوده و گیوه دهدشت شاید راهی بازار های گناوه، ریشهر، دشتستان بوشهر در شاخاب فارس می شده است.۵

در بافت کهن که جلوتر کار بازسازی انجام داده می شد هم اکنون از ادامه باز مانده و ساختمان ها نیز بیشتر از پیش از میان رفته اند. کاروانسرا و گرمابه پیشتر در حال بازسازی آبرومندانه بود. در آنجا در و پنجره های تخته ای با میخ های کله قارچی و درکوب آهنی به سبک روزگار صفوی ساخته بودند اما این بار از پیشرفت کار چیزی به چشم نمی خورد. روزی که با آقای قادر وحدان منش، بازساز تجربی تاق های فرو شکسته در هنگام کار گفتگو داشتم دیدم در لنگه های گچی نمای سردر تاق ها، برای استوارسازی و خم آن، در گچ ساقه های نازک نی به کار می برد. یادآوری این نکته در پیشینه معماری بی جا نیست بدانیم پیش از

اسماعیل حدادی . نگهبان کاخ چشمه بهشهر



آن که تاق های ضربی روال مند شوند در لنگه های گچی پیشانی تاق و تاقچه های ساختمان های دهدشت که سراسر با مصالح سنگ لاشه و گچ بوده اند، نی استفاده می کردند. در خشت های گلی ساختمان های جنوب کشور نیز کاه و موی حیوانات بویژه یال اسب به کار می بردند. به کار بردن چوب در ساختمان بویژه بخش هائی که زیر فشار نیروها هستند و همچنین ساقه نی در شاخه های گچی تاق های ساختمان های روزگار سلجوقی و پیش از آن ها نیز با ویژگی فنی در رویاروئی با نیروهای کششی روال مند بوده است. آقای وحدان منش که می گفت سواد خواندن و نوشتن هم ندارد بهتر از برخی سوداگران دانش قلابی آموخته، با شیوه معماری پیشینیان آگاه بود. از آن رو در نوآبادی لنگه های گچی با چیره دستی به کار ادامه می داد. نگارنده درخیلی از شهرها ناکارآمدی برخی نوسازی ها را دیده بودم. برای نمونه بازسازی نیمه کاره پل شکسته ساسانی در خرم آباد لرستان و پل و کاروانسرای «زیر کتل ملو» در کنار جاده کوهستانی شیراز به بوشهر در نزدیکی کنارتخته و دالکی برازجان، بسیار ناشیانه بوده و هزینه هنگفتی بر دست میراث فرهنگی گذاشته است. آقای وحدان منش این انسان پاک، سر زنده و با نم دل در زیر آفتاب سوزان با دستمزدی ناچیز و تنها با عشق به دهدشت کارهای با ارزشی انجام داد اما نه او را بیمه کرده بودند و نه به او دستمزد خوبی می دادند.

در دهدشت به همت آقای عزیزی، در بافت کهن نیز با نوشیدن استکانی چای تازه دم با نگهبان به گفتگو نشستم. آقای قنبر فرزین نیا، نگهبان شرافتمندی که بجای هشت ساعت مزد ناچیز بیست و چهار ساعت در کاروانسرا نگهبانی می داد و با چنگ و دندان از به یغما بردن سنگ های ساختمان ها و هجوم یغماگران در شب و روز جلوگیری می کرد از رنجی که کشید قدردانی نشده است. هم اکنون جای آن دارد تا مسئولان از این انسان هائی که دل در گرو میراث زادبومی خود داشته اند، دلجوئی کرده تا سرمشقی برای آیندگان شود. گفتگوی آقای قنبر فرزین نیا، به گونه همه نگهبانان بافت های کهن سراسر کشور پر از گلایه بود و از دست مسئولان می نالیدند. با تکیه بر عصای خود، با کهولت سن به تلی از سنگ لاشه و قلوه سنگ شهر شاپور ساسانی انگشت دراز می کند و می نالد که اگر روزگاری در تاریکی شب سنگ ساختمان ها را بار کامیون می کردند و در گوشه و کنار خانه می ساختند، الان دیگر تعارف را کنار گذاشته اند و سوداگران در دل روز به ویرانی و سائیدگی ساختمان های بافت کهن ادامه می دهند.

روزگاری «هانیس گاوبه» در سفر پژوهشی خود به واژه های نقش بسته بر سنگ گوری که احتمالا از روزگار سلجوقی بود اشاره داشت اما هم اکنون نبشته ها در ابر و باد و مه و خورشید فلک رنگ باخته و خوانا نیستند چرا که سایه بان ها را نیز به یغما برده اند۶.

باری، بازسازان تجربی ساختمان ها و نگهبانان پیر شده بافت های کهن با چشم های کم سو و با دل های مالامال درد چشم براه آستین بالا زدن جوانان دانش پژو هستند تا با نگهداری از شناسنامه های باستانی شهر و کشورخود بر زخم خنجر زهرآلود فرود آمده بر مازه تاریخ مرهم بنهند.

۱- ابن بلخی در سده پنجم نوشته است: -بلاد شاپور میان پارس و خوزستان است نواحی خراب و بروزگار (به روزگار) قدیم سخت آباد بودست (بوده است) اما اکنون خراب شدست (شده است) و گرمسیر معتدلست (معتدل است) و آبهاء (آب های) روان دارد. -فارسنامه ابن بلخی-، ص ۱۴۷.

۲- در روزگارنوجوانی و قیل و قال مدرسه در پیش از انقلاب برای بدرقه یکی از همکلاسی های مدرسه ایرانیان دوبی که با خانواده راهی تهران بود با بیله ای همکلاسی به فرودگاه دوبی آمدیم. سرگرم نوشیدن چای در خوراک خوری فرودگاه بودیم و خنده هایمان گوش آسمان را کر کرده بود که از بلندگوی فرودگاه گفته شد به دلیل فروریزی نا به هنگام سردر فرودگاه مهرآباد تهران، پرواز به تهران لغو می شود. به هر روی یادآوری آن فروریزی تاریخی دروازه کشور (فرودگاه تختگاه) در پیش از انقلاب برای این است که در فرهنگ ما نظم برجسته نشده، با معماری بساز و بفروشی خو گرفته ایم و همیشه هر چه پیش آید خوش آید زندگی کرده ایم.

۳- برای پیشینه و آشنائی بیشتر با کاخ های صفوی «اشرف» (بهشهر کنونی)، کاخ «جهان نما» فرح آباد ساری و کاخ «جهان مورا» بر فراز کوه در عباس آباد بهشهر و ساختمان های تاریخی گیلان و مازندران نگاه کنید به پنج جلد کتاب پژوهشی: «از آستارا تا استارباد»، نوشته: دکتر منوچهر ستوده. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۴- یادآوری می شود که برای نخستین بار «بارون دبود» جهانگرد روسی در سال ۱۸۴۱ میلادی برابر با ۱۲۵۷ هجری سنگ نگاره های تنگ «سروک» را شناسائی و پس از او آقای «الستین» کتابی با نام «جاده های قدیم ایران غربی» چاپخش نمود و از آن یاد کرد.

۵ - درشهرهائی از استان بوشهر شهروندان با گویش لری گفتگو می کنند که گویش آن ها دارای واژه هائی همانند در گویش لری مردم دهدشت است. در شهر برازجان مرکز دشتستان بوشهر نام فامیلی برخی از شهروندان «دهدشتی» است.

۶- برای آگاهی بیشتر با دهدشت و ساختمان های تاریخی آن بنگرید به کتاب پژوهشی: «ارجان و کهگیلویه»، از فتح عرب تا پایان دوره صفوی، نوشته «هانیس گاوبه» برگردان: سعید فرهودی. تحشیه و تصحیح و تنظیم فهارس: احمد اقتداری، تکلمه و مجلد چهارم در مجموعه آثار خوزستان. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. همچنین، مقاله های «معرفی شهر تاریخی دهدشت» نوشته: سید ابوالحسن دانشی، در مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد سوم، فروردین ماه ۱۳۸۵ و مقاله «حمام کهیار دهدشت»، نوشته: شکرالله علیزاده در مجموعه مقالات سومین کنگره ، جلد چهارم ۲۵ تا ۳۰ فروردین ۱۳۸۵، به کوشش: شادروان دکتر باقر آیت الله زاده شیرازی، دبیر کنگره.

برگزاری همایش روز جهانی کودک با حضور استاندار بوشهر

کانون پرورش فکری، مهارت‌های زندگی و فرهنگ اجتماعی را در نسل آینده نهادینه کند

همایش روز جهانی کودک با حضور استاندار بوشهر برگزار شد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری بوشهر، دکتر مصطفی سالاری در همایش روز جهانی کودک در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوشهر ضمن تبریک به مناسبت روز جهانی کودک و با اشاره به فعالیت موثر و کارآمد کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان در کشور اظهار داشت: فعالیت‌های کانون پرورش فکری استان بوشهر نباید منحصر به شهرهای خاص و یا مرکز استان باشد، بلکه این فعالیت‌ها باید در تمام روستاها و بخش‌ها و شهرستان‌ها با کیفیت اجرا شود.

وی با تاکید بر اینکه شادی و نشاط حق مسلم همه کودکان است افزود: با مشارکت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان بوشهر و دهیاری‌ها و بخشداری‌ها و سازمان آموزش و پرورش زمینه توسعه فعالیت موثر و کارآمد در خصوص تربیت و مهارت آموزی کودکان و نوجوانان تقویت خواهد یافت.

استاندار بوشهر فراگیری مهارت‌های زندگی توسط کودکان و نوجوانان در کانون را از مهم‌ترین فعالیت‌های این نهاد برشمرد و تصریح کرد: سازمان آموزش و پرورش، ضمن آموزش





رسمی باید نسبت به کشف و معرفی استعدادهای موجود در مدارس اقدام کند تا با حضور کودکان و نوجوانان در دوره‌های فوق برنامه درسی در کانون مهارت‌های زندگی و فعالیت‌های اجتماعی‌شان ارتقاء یابد و این مهارت‌ها از کودکی و نوجوانی در افراد نهادینه شود.

وی با اشاره به ضرورت توسعه فرهنگ کتاب و کتابخوانی در جامعه خصوصا از سنین کودکی و نوجوانی که بچه‌ها آمادگی بیشتری در این زمینه دارند بیان کرد: نهادینه شدن فرهنگ کتاب و کتابخوانی و افزایش مشارکت کودکان و نوجوانان مستلزم همکاری همه بخش‌هایی است که با کودکان و نوجوانان در ارتباط هستند که باید خود را در زمینه تربیت نسل آینده کشور مسئول بدانند.

دکتر سالاری از تامین وسیله نقلیه مناسب برای کتابخانه سیار و حمل کتاب به روستاها خبر داد و گفت: برای ایجاد فرهنگ کتاب و کتابخوانی در روستاها نسبت به تجهیز، به روزرسانی و تامین کتاب و راه‌اندازی کتابخانه در مساجد روستاها و تامین خودروی مناسب برای کتابخانه سیار با همکاری کانون پرورش فکری اقدام می کنیم.

وی بر ارائه فعالیت‌ها و تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به همه مردم تاکید کرد و افزود: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان باید در جمع مردم و محل تجمع و اماکن تفریحی میان مردم حضور داشته باشد، به همین منظور در دهکده‌های گردشگری نیز فضایی برای استفاده کانون برای ارائه خدمات آموزشی و تولیدات کانون به کودکان و نوجوانان پیش بینی خواهد شد.

استاندار بوشهر بر راه‌اندازی جشنواره‌های هنری توسط کانون در تمام نقاط استان تاکید و تصریح کرد: برگزاری جشنواره رشته‌های مختلف هنری در تمامی نقاط شهری و روستایی استان با همکاری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و شهرداری‌ها و دهیاری‌ها موجب افزایش فضایی با نشاط و شاد میان کودکان و نوجوانان می‌شود.

وی بر توجه به افتخارات، حماسه‌ها، مشاهیر و مفاخر استان در تولید آثار هنری کودکان و نوجوانان تاکید کرد و افزود: باید مشاهیر و مفاخر استان در تولید آثار هنری توسط و برای کودکان مورد توجه قرار بگیرند تا نسل جدید با داشته‌های فرهنگی و سرمایه‌های اجتماعی آشنا شوند.



دکتر سالاری کانون را نهاد مهمی دانست و با اشاره به فعالیت‌های سازمان بهزیستی و آموزش و



پرورش گفت: کانون پرورش فکری باید با تولید برنامه‌ها و آثار محتوی محور و پوشش بخش‌هایی که توسط نهادهایی مثل آموزش و پرورش و بهزیستی و سایر سازمان‌های فرهنگی مغفول مانده، مهارت‌های زندگی و فرهنگ اجتماعی را در نسل آینده نهادینه کند.

وی با اشاره به نقش حساس مربیان و معلمان و افرادی که با کودکان در ارتباط هستند بیان داشت: فعالیت مربیان کانون باید در حوزه‌های مختلف دیده شود و مورد تقدیر قرار بگیرند.

استاندار بوشهر با تاکید بر توسعه فعالیت‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با همکاری سازمان آموزش و پرورش افزود: کانون پرورش فکری استان بوشهر با استفاده از تخصص مربیان هنرمند به صورت پاره وقت و حق‌الزحمه می‌تواند با همکاری با سازمان آموزش و پرورش فعالیت‌های این نهاد را در زمینه افزایش فعایت‌های فرهنگی و هنری تقویت کند.

نسیم جنوب
شماره ۷۹۴ یکشنبه ۱ آذر ۱۳۹۴
NASIM JANOUB

معرفی فرهنگ بوشهر به ملل دیگر بازگردانی اسناد و تصاویر تاریخی

مسئول آموزش و پژوهش حوزه هنری استان بوشهر گفت: همایش‌های ملی و بین‌المللی تاریخی با هدف بازگرداندن سندها، تصویر و یادداشت‌ها به استان بوشهر برگزار می شود.

مسعود عرب‌زاده در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به برگزاری نشست تخصصی ضرورت برگزاری همایش سفرنامه‌نویسان خارجی در بوشهر اظهار داشت: هر ساله به مناسب ۱۸ اسفند روز بوشهر برنامه‌های متعددی برگزار می‌شود، اما برنامه‌ها فاقد تاثیرگذاری و زنده کردن آداب و رسوم بومی این استان است.

وی با بیان اینکه بوشهر در گذشته دروازه تجاری ایران بوده است، افزود: به این دلیل کتاب‌های زیادی در کشورهای مختلف در خصوص سفرنامه تاجران به استان بوشهر چاپ شده است که جمع‌آوری و به زبان فارسی ترجمه نشده است.

مسئول واحد آموزش و پژوهش حوزه هنری استان بوشهر با بیان اینکه به دلیل وجود کتاب‌های بسیار در کشورهای مختلف با موضوع سفرنامه بوشهر وجود دارد، برگزاری این همایش به صورت بین المللی ضروری است، عنوان کرد: این همایش موجب بازگشت بسیاری از سندها، عکس‌ها و یادداشت‌ها به استان می شود.

عرب‌زاده اظهار کرد: سفرنامه‌ها منابع خوبی برای شناخت فرهنگ، آداب و رسوم گذشتگان است و جمع‌آوری آن موجب انتقال فرهنگ گذشتگان به آیندگان می‌شود.

عرب‌زاده از برگزاری نشست هم اندیشی ضرورت برگزاری همایش سفرنامه‌نویسان خارجی در بوشهر خبر داد و عنوان کرد: در این نشست علاوه بر هم‌فکری متخصصین این امر، کتاب «هلندی‌ها در خلیج فارس و بوشهر» اثر زنده‌یاد حسن زنگنه معرفی خواهد شد.

تعدادی از دانش آموزان آموزش ایمنی و اطفاء حریق دیدند



دانش آموزان هنرستان دخترانه رازی آموزش ایمنی و اطفاء حریق دیدند.

به گزارش روابط عمومی شهرداری بوشهر، مسئول آموزش سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری بوشهر، با اعلام این مطلب اظهار داشت : دانش آموزان در این کارگاه ۳ ساعته که با موضوع ایمنی و اطفاء حریق در محیط های آزمایشگاهی برگزار شد، آموزش های لازم بصورت تئوری و عملی را فرا گرفتند.

صادق زاده همچنین از آمادگی سازمان آتش نشانی جهت آموزش کلیه مدارس و دانشگاه های شهر بوشهر خبر داد .

سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری بندر بوشهر با برقراری کلاسهای آموزشی تلاش می کند تا موارد مهم جهت رعایت نکات ایمنی را به شهروندان آموزش دهد.

مصاحبه نسیم جنوب با نویسنده بوشهری سمیه حبیبی:

بزرگترین مشکل جوانان، خود آنها هستند که نمی خواهند باور کنند اگر بخواهند می توانند

مصاحبه از طاهره مبارکی

– چند سطر در باره ی خود و موفقیتی که در عرصه ی علمی و اجتماعی بدست آوردید را بنویسید؟

– سمیه حبیبی قلاتی جوان موفق بوشهری است که در دوازدهمین دوره جشنواره جوان خوارزمی موفق به کسب رتبه سوم در رشته زبان و ادبیات فارسی شد. طرح وی در این جشنواره کتاب آموزشی به نام «چادر نماز مادر» بود که به زبان شعر هر کدام از مراحل وضو را شرح می دهد البته در کنار آن طرح کتاب «جشن گل پروانه ها» را نیز که به آموزش مفهومی ارکان نماز به زبان شعر سروده بود، ارائه شد. وی طی سه سال موفق به چاپ پنج کتاب شده است که عناوین آنها با طرح موضوع عبارتند از:

– کتاب آموزش قرآنی: آموزشی قواعد روخوانی قرآن کریم به زبان شعر.

–کتاب «چادر نماز مادر» آموزش وضو به زبان شعر.

– کتاب «جشن گل پروانه ها» آموزش مفهومی ارکان نماز به زبان شعر.

– کتاب «دنیای رنگارنگ» شعر و رنگ آمیزی.

– کتاب «هنر شهادت» بیوگرافی کوتاهی از شهدای هنرمند بوشهر.

نسیم جنوب با وی مصاحبه ای انجام داده است که می خوانید.

– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید؟

–سمیه حبیبی قلاتی هستم و در ۱۷ دی ماه ۱۳۶۰ در استان بوشهر متولد شدم.

– درباه ی تحصیلات خود بگویید کجا دوره ی ابتدایی تا دیپلم را گذرانده اید و وضعیت درسی شما در آن دوره چگونه بود؟

–دوره ابتدایی را در دبستان سیزده آبان، راهنمایی را در مدرسه آسیه و پایه را دبیرستان آزادی گذراندم مقطع پیش دانشگاهی را در مرکز آموزشی زینبیه سپری کردم که البته چون موفق به شرکت در امتحان زبان نشدم این درس تا بعد از ازدواج به همین منوال در کارنامه من باقی ماند تا اینکه درصدد شرکت در کلاس های مدرسه شبانه برآمدم و همان جا بود که یکی از دبیرهای تاریخ دوره دبیرستان خود خانم غریب زاده را ملاقات کردم به عنوان هدیه، کتاب خود را به ایشان هدیه دادم مرا تشویق به شرکت در جشنواره خوارزمی کردند در واقع با هدایت و راهنمایی ایشان با جشنواره آشنا شدم.

– معلمان آن دوره در شکل گیری شخصیت شما چقدر تاثیر گذار بوده اند؟

– دوره راهنمایی و دبیرستان یکی از مهمترین و زیباترین دوران زندگی من است. خاطرات زیبایی که برای من ماندگارترین روزهای زندگی ام را رقم زدند و همه این ها را مدیون معلمانی می دانم که با شور و اشتیاقی وصف نشدنی پاسخ سوالاتم را می دادند و ذهن سوال پرداز مرا به تکاپویی بیشتر وا می داشتند. در دوره راهنمایی خانم شکریان مربی پرورشی و در دوره دبیرستان آقای قلی پور دبیر تاریخ و... نقش به سزایی در علاقمندی من به پـژوهش و مطالعه داشتند.

– در مجموع دوران مدرسه را در پرورش و خلاقیت و نوآوری چگونه می بینید؟

– مدرسه جمع به ظاهر کوچکی است از جامعه ای که اجتماعی بزرگ را در قلب خود جا داده است طیف وسیعی از فرهنگ انسان ها و دیدگاهها که هر کدام از یک خانواده هستند و قرار است برای زندگی در فردایی بهتر مسیر شکوفایی را طی کنند و اینجاست که جایگاه معلم و مدرسه معلوم می شود و مفهوم و معنای پیامبری معنا می یابد.

– چه مواردی را می توانید در سالهای دوره دانش آموزی پیشنهاد بدهید تا به پرورش روحیه و خلاقیت آنها کمک کند؟

– پرورش روحیه پرسشگری، ایجاد زمینه های مناسب برای درک و یافته های متون درسی. ایجاد علاقه برای مطالعه به صورت زمان بندی شده در قالب ساعات درسی، ایجاد بستری مناسب جهت ارائه نظرات و تخیلات کودکانه.

– آیا شما با این نظر موافقید که نوع دروس، کتب و شیوه تدریس در آموزش و پرورش روحیه خلاقیت و نوآوری را در دانش آموزان از بین می برد؟

– در سالهای اخیر با تغییراتی که در کتابهای درسی صورت گرفته لااقل می توان گفت تلاش هایی برای رفع این نقصان صورت گرفته ولی از آن جا که کتابها تغییراتی یافته اند اما روش های تدریس به طور کلی هنوز هم دچار تغییرات اساسی و بنیادین نشده اند و نمی توان نتیجه قابل قبولی را از این روند آموزشی دریافت. به نظر من پرورش معلمان خلاق در شیوه های آموزشی بسیار حائز اهمیت تر است از تغییرات و تکامل در متون درسی چرا که یک معلم خلاق می تواند توانایی خلاقیت را در وجود فراگیران ایجاد کند.

– درباره تحصیلات دانشگاهی خود بگویید در چه رشته ای و در چه سالی وارد دانشگاه شدید؟

– زمانی که وارد دانشگاه شدم کتاب اول و دوم من چاپ شده بود و درصدد فراهم کردن مقدمات چاپ کتاب سوم خود یعنی «جشن گل پروانه ها» بودم در واقع پس از ورود به جشنواره خوارزمی وارد دانشگاه شدم در حالی که یک سال به عنوان نیروی آزاد در دبستان باهنر تدریس می کردم. سالی بود که وارد دانشگاه شدم و در رشته آموزش و پرورش ابتدایی مقطع کاردانی مشغول به تحصیل شدم.

–برای موفقیت در کنکور چه فعالیت ویژه ای انجام دادید؟



– راستش را بخواهید قبلاً برای امتحان کنکور تلاش کرده بودم ولی به دلایلی در جلسه امتحان حاضر نشدم ولی زمانی که در امتحان ورودی دانشگاه آزاد شرکت کردم تنها اولویتم رشته آموزش و پرورش ابتدایی بود انتخاب دیگری نداشتم چون قصد داشتم تا فضای لازم را برای تالیف آثارم در خود ایجاد کنم تصمیم جدی من بر این بود تا بتوانم در شیوه تدریس پایه ابتدایی با استفاده از زبان شهر در موضوعات مختلف آموزشی تجربیاتی به دست آورم. و همه چیز در دوره کودکی و نوجوانی در من نهادینه شده بود.

–اولویت اول انتخاب رشته کنکور شما چه بود و آیا در رشته ای که قبول شدید هم شناخت و یا علاقه ای داشتید؟

– قصد من ورود به دانشگاه، تحصیل در رشته آموزش و پرورش بود اولویت بندی خاصی در ذهن نداشتم همان طور که گفتم قبلا به عنوان یک نیروی غیر رسمی در دبستان باهنر تدریس می کردم

گرچه فراهم بودن شرایط یکی از اصلی ترین موفقیت هر انسانی است اما به نظر من بزرگترین مشکل جوانان امروز این است که فکرمی کنند همه چیز برای پیشرفت آنان فراهم باشد تا بتواند پله های ترقی را طی کنند در واقع بزرگترین مشکل، خود آنها هستند که نمی خواهند باور کنند اگر بخواهند می توانند.

و تصمیم من بر این بود که در مقام یک معلم به تالیف آثارم بپردازم چرا که محیط کلاس فضای الهام بخش و مناسبی را در اختیار من قرار می داد و از آنجایی که بر مفاهیم آموزشی تاکید داشتم تصمیم به ادامه تحصیل در رشته معلمی گرفتم.

– در زمان مدرسه دوست داشتید چه آینده ی علمی و شغلی را در بزرگسالی داشته باشید؟

– همیشه دلم می خواست یک نویسنده باشم. معلمی را هم خیلی دوست داشتم و این مطلبی بود که موضوع انشای سال اول راهنمایی با این موضوع که در آینده می خواهید چکاره شوید عنوان کرده بود که وقتی بزرگ تر شدم شغل معلمی را برگزیدم.

– انتقاد کنونی بر دانشگاهها این است که محیط علمی از آن چه مورد نیاز جامعه است فاصله داشته و حتی با آن بیگانه است نظر شما چیست؟

– راستش را بخواهید وجود اساتید خوب در دانشگاه قابل تقدیر است ولی حاکم بودن یک فضای علمی در واقع جای بحث دارد لااقل برای من خیلی خیلی پایین تر از سطح انتظارم بود.

– در مجموع درسهای دانشگاه تا چه اندازه بعد از فارغ التحصیلی در فعالیتهای شغلی و علمی شما به کارتان آمد؟

– خیلی جالب نبود. بیشتر فضایی که ایجاد می کرد برایم کارایی داشت وگرنه اغلب احساس می کردم به دور خودم می چرخم تا اینکه به سمت جلو در حرکت باشم.

– چه پیشنهادی برای اساتید در جهت تقویت بنیه علمی دانشجویان دارید؟

– اگر استاد، فرهیختگی خود را در فضای کلاس حاکم کند دانشجو را نیز به تکاپو وا می دارد تا از وجود او بهره مند شود.

– در حال حاضر به چه شغلی مشغول هستید و آیا بین این شغل و رشته تحصیلی شما ارتباطی وجود دارد؟

– تا سال گذشته در مقطع ابتدایی به خصوص پایه پیش دبستانی در حال تدریس بودم اما از آنجایی که تلاش من برای اداره آموزش و پرورش رسمیتی ندارد و کار کردن در مراکز غیرانتفاعی هم مشکلات خاص خودش را دارد فعلا تدریس نمی کنم و تنها مشغول سپری کردن زمان برای ادامه تالیفاتم هستم.

– در مورد طرح خود بیشتر توضیح بدهید؟

– این طرح شامل سه کتاب در باب آموزش الفبای قرآنی آموزش وضو و آموزش مفهومی ترجمه نماز به زبان شعر برای کودکان است. البته طرح کتاب «چادر نماز مادر» که به آموزش وضو می پردازد بیشتر مدنظر در جشنواره قرار گرفت. در این کتاب موضوع با حضور شخصیت مادر و پسری روایت می شود که در متن و تصویر حضور دارند. شعر با عطف چادر نماز مادر شروع می شود و کودک را متوجه نماز خواندن مادر می کند. مادر در بستری از ارتباط عاطفی مرحله به مرحله وضو را به او آموزش می دهد هر مرحله از وضو در صفحه ای جداگانه و شعری در همان صفحه آموزش داده شده. جزئیات احکام وضو از نظر فقهی مورد توجه بوده است.

– برای موفقیت جوانان در جامعه چه پیش نیازهایی باید فراهم شود؟

– موفقیت های علمی مناسب می تواند از همان پایه های ابتدایی تحصیل، شرایط پیشرفت را در جامعه حاکم کند. زمینه پرورش خلاقیتها امکان عملی شدن طرح های دانش آموزی، ساختن کتابخانه مدارس و افزایش بار علمی معلمان می تواند زمینه ساز پیشرفت جوانان باشد.

–به نظر شما مهم ترین مشکل و یا مشکلات جوانان در حال حاضر چیست؟

– گرچه فراهم بودن شرایط یکی از اصلی ترین موفقیت هر انسانی است اما به نظر من بزرگترین مشکل جوانان امروز این است که فکرمی کنند باید همه چیز برای پیشرفت آنان فراهم باشد تا بتواند پله های ترقی را طی کنند در واقع بزرگترین مشکل، خود آنها هستند که نمی خواهند باور کنند اگر بخواهند می توانند.

– نقش خانواده در پیشرفت جوانان چه می تواند باشد؟

– نمی توان نقش خانواده را در موفقیت یک فرد نادیده گرفت بی شک هر بذری برای رشد و شکوفایی نیازمند بستری مناسب است در دوران تاهل نیز تاثیر رابطه مطلوب بین زوجین شرایط را برای بروز جلوه های موفقیت در فرد فراهم می سازد درک متقابل همدلی و ابزار احساس خرسندی از موفقیت همسر تاثیر بسزایی در روند این موفقیت خواهد داشت داشتن صبر نیز در زندگی مشترک بسیار با اهمیت است.

– شما خودتان به عنوان یک جوان چه کمکی می توانید به دانش آموزان و نوجوانان و جوانان دیگر برای قدم برداشتن در راه موفقیت کنید؟

– تجربیات تلخ و شیرین هر انسانی در مسیر رسیدن به اهدافش می تواند راهگشای دیگران باشد من نیز در صورت مهیا بودن شرایط از انتقال آنچه که معلم زندگی در مسیر سختی ها به من آموخته دریغ نخواهم کرد.

– در شرایط کنونی و با توجه به دلمشغولی ها و فعالیت های علمی و اجتماعی جوانان آینده را چگونه می بینید؟

– قرار نیست ما آینده را پیشگویی کنیم وجود جوانان نخبه در جامعه همیشه می تواند منشا تحول و راهگشای مسیر حرکت در جامعه باشد ولی باید اعتراف کنم ایجاد جاذبه های علمی امروز برای دانش آموزان کار بسیار سخت و دشواریست و با وجود خطوط و شبکه های ارتباطی مدرن و امروزی باید روش های تدریس را مطابق سلیقه آنها طراحی کرد تا انگیزه لازم برای جذب در آنها ایجاد شود.

–در چه سالی در جشنواره خوارزمی شرکت کردید و مشوق شما در این امر چه کسی بود؟

–از قبل برای شرکت در جشنواره، برنامه ریزی نکرده بودم طرح من در قالب یک کتاب چاپ شده بود و تنها به توصیه و راهنمایی دبیر تاریخ خود خانم غریب زاده عمل کردم و در ۱۵ آذر سال ۱۳۸۹ در جشنواره شرکت کردم.

– اهداف جشنواره جوان خوارزمی چیست؟

– به طور کلی جشنواره جوان خوارزمی در پی کشف استعدادهای برتر و ذهن های خلاق است تا این توانایی را به سمت آفرینش هدایت کرده و به مرحله اجرا درآورد بسیاری از طرح های جشنواره خوارزمی اساس و پایه های علمی جامعه فردا را تشکیل می دهند و در حضور حمایت و توجه قرار می گیرند در بخش دانش آموزی کشف و نمود استعدادها در قالب جشنواره تاثیر به سزایی در آینده آنان خواهد داشت و چنانچه مورد حمایت لازم قرار بگیرد در ساختن فردایی بهتر موثرند.

– به نظر شما بین استعداد و پشتکار، فکر می کنید کدام یک بهتر است؟

–به هر حال باید استعدادی باشد تا در پی آن تلاشی صورت گیرد ولی نکته قابل توجه این است که استعدادها در مسیر شکوفایی به سمت درستی هدایت شوند اما داشتن استعداد به تنهایی کافی نیست چه بسا افرادی که با تلاش و پشتکار از اندک سرمایه علمی خود بهره فراوان می برند و افراد توانمندی که سپاس این نعمت الهی را به جا نمی آورند.

– به نظر شما انجمن می تواند در زمینه افزایش سطح دانش در جامعه کاری انجام دهند؟

– اگر حضور افراد و تلاش انجمن در مسیر هدف مشخص شده حرکت پویا و فعالی را از خود نشان دهد و صرف یک تجمع اجتماعی با هر موضوعی نباشد می تواند نقش مهمی در ساختار کلی جامعه داشته باشد.

– در پایان اگر سخنی دارید بفرمایید؟

– در اینجا از همسرم کمال تشکر را دارم که در همه این سالها با مهربانی مرا همراهی کردند و همواره از حمایت های مالی و عالفی ایشان بهره مند بوده ام گرچه زندگی با یک هنرمند کار ساده ای نیست و تفاوت ها در زندگی مشترک بسیارند و فراز و نشیب روزهای زندگی مشترک بسیار است. و جا دارد از مادر همسرم سپاسگزار باشم چرا که در ده سال اول زندگی مشترکمان در کنار ایشان و خانواده محترمشان سپری شد و همه زحمات ما را ایشان متقبل بودند. نهایت سپاس و تشکر را دارم.

همزمان با هفته کتاب؛

کتاب «بوشهر سرزمین آیین و مراسم» به بازار آمد

کتاب «بوشهر سرزمین آئین و مراسم» نوشته محمد مظفری به‌مناسبت هفته کتاب به بازار آمد.

به گزارش خبرنگار مهر، محمد مظفری نویسنده و پژوهشگر در جمع خبرنگاران از انتشار کتاب «بوشهر سرزمین آیین و مراسم» خبر داد و اظهار داشت: بیش از ۳۰ آیین و بازی نمایشی استان بوشهر در این کتاب معرفی شده است.

نویسنده کتاب بوشهر سرزمین آیین و مراسم، با اشاره به ارائه شیوه‌های اجرای آئین‌ها و مراسمات مختلف در استان بوشهر در قالب این کتاب اضافه کرد: این کتاب در حوزه آئین‌های نمایشی و شیوه‌های اجرای آئین و مراسم در استان بوشهر است.

مظفری با بیان اینکه آئین‌های مختلفی در حوزه‌های سوگ، سرور، کار و تلاش، مذهب، نذر و نیاز و . . . در استان بوشهر وجود دارد، افزود: بسیاری از این آئین‌ها به سمت فراموشی می‌رود که باید برای حفظ این آثار تلاش شود.

وی تصریح کرد: در صورتی که این آثار ثبت و حفظ و نگهداری نشود، نسل آینده هیچ اثری از این آئین‌ها را نخواهد دید.

این نویسنده و پژوهشگر با اشاره به تحلیل تخصصی جنبه‌های نمایشی آیین‌های استان بوشهر در این کتاب، افزود: بیش از هشت سال برای این پژوهش‌ها زمان صرف شده است.

وی از تلاش ویژه برای ثبت و نگهداری آثار ناملموس در استان بوشهر خبر داد و افزود: کتاب بوشهر سرزمین آیین و مراسم در ۱۶۸ صفحه و توسط انتشارات دریانورد منتشر شده است و هم‌اکنون در کتاب‌فروشی‌های استان موجود است.

انتخاب یک بوشهری بعنوان مسئول کتابخانه نمونه کشور



مسئول کتابخانه روستای چهار روستایی بندر ریگ به عنوان مسئول کتابخانه نمونه کشوری در سال جاری انتخاب شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل کتابخانه های عمومی استان بوشهر، عملکرد خوب مروارید رازقی، مسئول این کتابخانه در جذب اعضا، برگزاری مسابقه های مختلف فرهنگی علمی و تعامل مناسب با اهالی روستا از معیارهای انتخاب آن از سوی نهاد کتابخانه های عمومی کشور بوده است.

کتابخانه روستای چهار روستایی با جذب ۵۰۰ عضو، این مکان را به کانون فعالیت های مختلف فرهنگی و هنری روستا تبدیل کرده است.

گفتنی است مروارید رازقی در همایش ملی تجلیل از کتابداران کتابخانه های عمومی کشور که در تهران و با حضور آیت الله محمدی گلپایگانی رییس دفتر مقام معظم رهبری، دکتر نوبخت معاون رییس جمهور، دکتر ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دکتر جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در تالار وحدت تهران برگزار شد لوح سپاس خود را دریافت و مورد تقدیر قرار گرفت.

کتابخانه روستای چهار روستایی دارای ۱۱ هزار و ۵۰۰ جلد کتاب با عنوان های مختلف است.

مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر:

۵۸۰ کتابخانه مستقل در مدارس استان بوشهر فعال است

مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: ۵۸۰ کتابخانه مستقل در مدارس استان بوشهر فعال است.

به گزارش از روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر، ناصر کرمی در آیین جشن کتاب و افتتاح نمایشگاه کتاب در دبستان شهدای بسیج بوشهر اظهار کرد: کتابخوانی و مطالعه، سیر در اندیشه دیگران و گشودن پنجره‌ای به دنیای ناشناخته‌ها است و انسان را در درک خود و تعیین سرنوشت خویش و جامعه‌اش دلسوزانه و فعالانه شرکت می دهد.

وی ادامه داد: یکی از مهم‌ترین فواید خواندن و مطالعه افزایش یادگیری به عنوان فرآیندی است که بشر همیشه به دنبال کسب آن بوده و لازمه پیشرفت و توسعه است.

کرمی گفت: امروز همزمان با افتتاح ۵۰ هزار نمایشگاه کتاب در مدارس سراسر کشور، ۳۰۰ نمایشگاه نیز در مدارس استان بوشهر برگزار می شود.

وی در پایان با اشاره به وجود ۵۸۰ کتابخانه مستقل در مدارس استان بوشهر خاطرنشان کرد: در ادامه طرح ۷۷، امسال تمامی مدارس چند پایه استان به کتابخانه کلاسی تجهیز خواهند شد.

نیم نگاهی به کتاب «مناطق باستانی- تاریخی شبه جزیره بوشهر (بعضی از محلات جنوبی) «تاریخی- جغرافیایی- اجتماعی- فرهنگی» نوشته ی علی اکبر قربانی

تفاوت ریشهر واقعی و ریشهر روایت شده

عبدالسلام رنج دیده امامزاده یی

اخیراً کتابی تحت عنوان «مناطق باستانی- تاریخی شبه جزیره بوشهر (بعضی از محلات جنوبی) «تاریخی- جغرافیایی- اجتماعی- فرهنگی» نوشته ی آقای علی اکبر قربانی- چاپ بوشهر، انتشارات شروع، ۱۳۹۳- به بازار کتاب عرضه شده است. کتاب، با احتساب پیکره های آن شامل ۵۹۸ صفحه است، و از این تعداد صفحات، ۱۰۲ صفحه ی آن به پیکره های مختلف زندگان و مردگان و اماکن مذهبی و غیره و غیره اختصاص داده شده است. مطالب کتاب، ده فصل بوده و دارای مقدمه ای در ۲ صفحه نیز می باشد.

مؤلف محترم در سطر دوم صفحه دوم مقدمه اظهار داشته اند: ... اگر مطلبی از شخصیتی به جا مانده که به آن اشاره نشده است و یا اشتباهی صورت گرفته و یا موضوعی ناقص بیان شده با پوزش خواهی خواهشمند است بذل عنایت فرموده ارشاد فرمایید»/صفحه ۲۶

این جانب عبدالسلام رنج دیده امامزاده یی، بنا بر همین استدعای آقای قربانی (مؤلف کتاب) نکاتی چند به نظرم آمده که ذیلاً عرضه می دارم.

نظر به این که میزان اشتباهات در این کتاب، از هر نوع: جمله پردازی، دستوری، موضوعی، گفتاری، پژوهشی و حتا املایی، فراوان به چشم می خورد، نخست در باب آن چه در فصل های اول و دوم و سوم کتاب (ص ۲۷ تا ۱۰۹) آمده است به طور مختصر در بیان می آورم اما پیش از پردازش به اصل موضوع لازم است بگویم امروزه افراد کتاب خوان خصوصاً در ایران، که طبق آمار به دست داده شده، در هر روز متأسفانه به ۲ تا ۳ دقیقه می رسد بسیار کم است؛ تا چه رسد به روزنامه خوان و هفته نامه خوان- مگر در باب موضوعی خاص- لذا امید است این یادداشت های بنده به دیده یا به گوش مؤلف محترم کتاب مورد نظر برسد تا به نادرستی های پاره ای مطالب کتاب خود پی ببرد.

اینک یادداشت ها را آغاز می کنم باشد که آقای قربانی عزیز کینه ای به دل نگیرند.

۱- در باب شروه خوانی نوشته اند: «به نظر این جانب شروه ای که توسط مرحوم حسین نجاتی خوانده می شد و قبل از پیروزی انقلاب در شب های جمعه از رادیو نفت ملی آبادان پخش می گردید، حزین ترین و بهترین سبک شروه بود...»/ ص ۳۹- ما و همه ی همسالان ما این گفته ی آقای قربانی را قبول داریم اما باید یادآور شد که در شب های جمعه نبود بل در شب های چهارشنبه هر هفته می بود.

۲- در مورد نحوست عدد ۱۳ نوشته اند: «... بعضی معتقدند عدد ۱۳ عدد نحسی است سندیت ندارد و همه روزها متعلق به خداست... الخ/ص ۴۷...

در مورد این که چرا عدد ۱۳ نزد ما ایرانیان عدد نحسی است و به ویژه ملل قدیم و حتا ملت های دیگر جهان هم- از جمله مردم انگلستان- سخت پای بندی به آن دارند، ریشه و قدمت چند هزار ساله به شمردن اعداد نزد اقوام کهن نیز دارد زیرا: «شمردن اعداد، قدیمی ترین شکل سخن گفتن بوده، شمارش ابتدا به وسیله انگشتان دست بود و از همین جا سلسله ی اعشاری پیدا شده؛ هنگامی که بالاخره توانستند مفهوم عدد دوازده را به خوبی درک کنند، انسان بسیار خوشحال گردید زیرا عددی یافته بود که بر پنج تا شش عدد نخستین سلسله ی اعداد قابل قسمت است، و از همین وقت سیستم عدد شماری به مبنای دوازده در حساب وارد شد که هنوز هم این اندازه در انگلستان مورد توجه است. عدد ۱۳ برعکس عدد سابق خود به چیزی قسمت پذیر نیست و به همین جهت مورد نفرت مردم و اسباب بدبینی [نحوست] شده است» (نگاه کنید به تاریخ تمدن ویل دورانت، مشرق زمین: گاهواره تمدن، ص ۱۲۲)

۳- نوشته اند: «بازی چوکلی [در اصل چوکیلی؛ چوب و کلید] تنها بین دو نفر انجام می گرفت»/۶۱-

خیر، آقای قربانی، بین دو نفر نبود بستگی به تعداد افراد حاضر نیز داشت گاهی به چهار پنج نفر و بیشتر هم می رسید.

۴- ایضاً: «قلعه ی مشهوری به نام قلعه ی ریشهر (در ریشهر) وجود داشته که هم اکنون مخروبه ای از آن بیشتر باقی نمانده است و نقب های آن نیز در منطقه «تل پی تل» قابل مشاهده می باشد.»/ ص ۷۱

آقای قربانی، گفته عوام چنین است. اصلاً نقبی وجود نداشته می توانید هم اکنون به خندق واقع در قسمت شرقی و جنوبی آن سر بزنید و به بینید آثار نقب وجود دارد؟

۵- ایضاً: «مسجد امام حسن مجتبی (ع) در ریشهر قدمت تاریخی آن به بیش از هزار و دویست سال می رسد و بنا به گفته ی «مرحوم حاج محسن گران بها»، خود حضرت امام حسن مجتبی در آن اقامه نماز کرده است»/۷۷-

اگر کسی گفته بود قدمت تاریخی مسجد به ۱۴۰۰ سال پیش می رسد این دروغ بسیار بزرگ و خودباور (از روی ناآگاهی) تأثیر خود را بیشتر می گذاشت، تا کسی بگوید ۱۲۰۰ سال پیش، زیرا رقم ۱۴۰۰ سال، با ایام زندگی امام حسن درست تر می نماید تا ۱۲۰۰ سال پیش. این را می دانیم که تاریخ شهادت امام حسن به سال ۵۰ هجری بوده است، پس چه طور ممکن است امام حسن (ع) نزدیک به حدود دویست سال بعد از شهادت، گذارش به محله ریشهر افتاده باشد.

۶- ایضاً: «در جنوب شرقی قلعه ی ریشهر بارگاهی به نام شاه نشین قرار داشت و هم اکنون آثاری از آن باقی نمانده، ... این مکان تاریخی شاه نشین که هم اکنون به صورت تلی از خاک درآمده است و قبلاً خانه ای در آن پیدا شد که دارای دو مقبره می باشد و مشخص نیست که این مقابر از کیست»/۷۹

گفتار مؤلف درباره ی شاه نشین مبنی بر این که هم اکنون به صورت تلی از خاک درآمده، کاملاً نادرست است. خوب است به عرض مبارک جناب قربانی برسانیم ساختمان مخروبه شاه نشین؛ توسط مرحوم علی زارعی (فرزند عبداله دشتی) در سال اول انقلاب برای استفاده از سنگ هایش با خاک یکسان شد. برای اطلاع بیشتر در باب خراب کردن شاه نشین (با بیل لودر) می توانید با حاجی جابر پیشان (مقیم ریشهر) تماس حاصل فرمایند و راست و دروغ قضیه را معلوم دارید و این که مؤلف گفته است «خانه ای در شاه نشین پیدا شده» این هم دروغ اندر دروغ اندر دروغ است.

۷- در معرفی ذاکران کوی ریشهر آورده اند «میرزا محمدصادق گران فرزند مرحوم میرزا اکبر»/ ص ۸۰/

خیر، آقای قربانی، این چنین نیست، مرحوم میرزا محمدصادق گران بها، با نام مشهور «مشهدی میرزا» و بعدها «حاج میرزا» (نزد مردم ریشهر) فرزند مرحوم میرزا اسماعیلِ مَح صادق=محمدصادق، بوده است و نه میرزا اکبر.

هم چنین، در سطر پایین آن آورده اند «میرزا محمد گران بها فرزند میرزا غلامحسین بوده»

خیر، میرزا غلامحسین فرزندی نداشته و او به اصطلاح بدون پشت بوده و یکی از برادران میرزا محمدصادق و حاج محسن گران بها نیز بوده است.

۸- درباره معتقد اهرمی گفته اند: «در کوی ریشهر فعلی [؟] و درست غرب مسجد امام حسین (ع) آرامگاه مرحوم مغفور ادیب و عارف و عالمی ربانی به نام میرزا حسین معتقد اهرمی (ریشهری) فرزند مرحوم حسن وجود دارد که محل زیارت مؤمنین و مؤمنات می باشد»/۸۲

این بنده ۶۷ ساله کاملاً به یاد دارد که کسی (زن یا مرد) به این مقبره نمی رفته و این مقبره هیچگاه زیارت گاه نبود است.

هم چنین، به خیال خود گفته اند: «شایان ذکر است که قبلاً در کنار آرام گاه میرزا حسین امواتی را امانت می گذاشتند و سپس به جاهای مقدسی مانند عتبات عالیات و یا قم و مشهد مقدس و... منتقل می نمودند»/۸۳-

آقای عزیز، هیچ گاه چنین نبوده زیرا فقر و تنگ دستی به مردم اجازه چنین کاری را نمی داده است، آن هم امانت گذاشتن مرده در کنار مقبره میرزا حسن معتقد، و نه در قبرستان اصلی محله.



مؤلف محترم هر آنچه را که دیگران به ویژه قلم زنان بوشهری در کتاب خود ارایه داده اند، عیناً از نوشتار آنان سود جسته و بدون این که نامی از نویسنده کتاب (در پا نوشت) را ببرد، در جای جای کتاب خود نیز آورده اند. نیز اگر گفته شود او در این جا مصادره به مطلوب را نموده شاید درست نباشد. بهتر است بگوییم به انتحال ادبی دست یازیده است. برای این که روشن شود معنی کلمه انتحال (عربی=مصدر متعدی) چیست؟ تعریف آن را می آورم: به خود بستن، به خویش دربستن، به خود نسبت دادن، سخن دیگری بر خویشتن بستن، و آن چنان باشد که کسی شعر یا سخن دیگری را شعر یا سخن خویش سازد و بی تغییری و تصرّفی در لفظ و معنی یا به تصرفی اندک. / فرهنگ معین، ج ۱، ص۳۶۳.

۹- در معرفی واعظان (روحانیون کوی ریشهر/ص ۸۴- از دو نفر، که یکی از آن دو: میرزا محمدصادق گران بها فرزند میرزا اسماعیل (همان که درباره اش در صفحه ۸۰ گفته است وی فرزند میرزا اکبر است) می باشد، نام برده و گوید: میرزا محمدصادق گران بها، پس از وفات، او را به وادی السلام نجف برده و دفن نمودند.»

خیر، میرزا محمدصادق (میشتی میرزا) را به وادی السلام نبرده اند. بی زحمت به گورگاهِ وی واقع در غرب حسینیه امام حسن در ریشهر سر بزنید تا به بینید بر سنگ مزارش نوشته اند: حاج میرزا محمدصادق فرزند مرحوم اسماعیل، متولد ۱۲۹۸- فوت ۱۳۶۴.

و این را هم اضافه کنم، مرحوم حاج میرزا (همان مرحوم محمدصادق) نه واعظ بوده اند و نه روحانی، بل ایشان از قرآن خوانان و ذاکران سرشناس کوی ریشهر نیز بوده اند.

۱۰- در مورد «هزار مردان» (زارمِردو) نوشتار نادرست و خیال پردازانه ای ارایه داده اند. اینک عین نوشته ی مؤلف را بر قلم می آورم: «یکی دیگر از آثار مهم در منطقه جنوبی امام زاده عبدالمهیمن علیه السلام و نزدیک به محلات سرتل و هلیله «هزار مردان» است، وجه تسمیه این واژه به این معنی است که هزار مرد جنگی و مؤمن به خدا در منطقه بوشهر در مبارزه با نیروهای دشمن به شهادت می رسند و در این منطقه به خاک سپرده می شوند که آثار آن قبور [قبور آنان] تا چند سال قبل نیز مشخص بود و بر روی آن ها گل نرگس می رویید و در فصل بهار فضای عطرآگینی را به وجود می آورد که فروش آن ها توسط بعضی از افراد محل منشأ درآمدی نیز بوده است. به همین علت این منطقه را «نرگس زار» نیز می گویند. ای کاش مسئولین استان بوشهر و دست اندرکاران، به این قبور مطهر شهدای راه دین در محله ی امام زاده و هلیله توجهی نموده و با کشیدن حصاری آن را مرمت می نمودند.»/ص ۹۸

نمی دانم آقای قربانی اطلاع درباره «زار مردان» را از قوطی کدام عطارِ دوره گرد به دست آورده اند. اولاً وجه تسمیه آن به معنی «هزار مرد جنگی» نیست. برای اطلاع در این باب می توانید به کتاب سنگستان ریشهری/مجلد دوم، ص ۵۱۸ مراجعه کنید. دوم، آن که کسی را در این ناحیه به خاک نسپرده اند. سوم، آن که آثار قبور؛ تا چند سال قبل در آن جا مشخص نبوده است، و چهارم این که قطعه زمین نرگس زار (نرگزار) زمینی جدا از هزارمردان است و هر کدام شماره پلاک ثبتی جداگانه دارد.

این نکته را هم یادآور شوم این که آقای قربانی گفته اند «کسانی که در مقابل نیروهای دشمن به مبارزه برخاسته اند مسلمان و مؤمن به خدا بوده اند» (به گفته ایشان)، / یک گزافه گویی است زیرا در واقع مرزبان ریشهر بوده که در منطقه هزارمردان و در زمان نبرد یزدگرد سوم ساسانی در مقابل نیروهای مهاجم مسلمان به سرزمین زارمردان، پایداری از خود نشان داده اما کار به جایی نبرده است.

و پایان سخن این که نویسنده از سطر ششم تا آخر مطلب هزار مردان (۶ سطر) زیاده گویی بی مورد که نیازی به گفتن آن نبوده، نیز کرده است.

۱۱- در بابِ برگزاری مراسم مقابله (قرآن و ادعیه خوانی) درِ کوی امامزاده عبدالمهیمن (ع)، و نه در کوی های دیگر نوشته اند: «این مراسم همراه با عزاداری حضرت مولی الموّحدین، امام الکونین، امام علی بن ابیطالب (ع) از دیرباز در محله ی مذکور با همت اهالی محترم محل به ویژه سادات علاقه مند و اهل ذوق و دل سوز آن با دقت انجام می گرفته است و اهل علم در این مراسم به ترجمه و توضیح و بیان احکام و... مبادرت می ورزیده اند... الخ»/ ص ۱۰۹

آقای قربانی؛ در پرداخت مراسم «مقابله» گویا هیچ بویی از مقابله و چگونگی تشکیل آن نیز نبرده اند و گویا از همه جا بی خبر بوده اند. در این باره خاطر مبارک نویسنده را به توضیح زیر جلب می کنم: مقابله (مصدر متعدّی) در عرف عام معنی تشکیل مجلس قرآن خوانی (در ماه مبارک رمضان) را دارد و یکی از مراسم دینی مذهبی مردم بوشهر است که پیوند ناگسستنی با اعتقادات و فرهنگ آنان نیز دارد و به این سبب به مقابله معروف شده که تعدادی از قرآن بلدها در مسجد دورِ هم دایره وار می نشستند و به خواندن قرآن (به نوبتَ) مشغول می شدند. مقابله فقط در شب های ماه رمضان انجام می گرفت و چرا در ماه رمضان؟ در واقع به خاطر اهمیت قرآن در تقارن آن با ماه رمضان و نزول قرآن در ماه رمضان بر سینه ی حضرت رسول اکرم (ص): «شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن» بود، که مقام ویژه را به خود گرفته است. مقابله در معنای لغوی آن یعنی در مقابل هم، و در این جا رو به روی هم نشستن است و این عنوانِ ویژه فقط اختصاص به قرآن خوانی و برگزاری مراسمِ آن در شب های ماه رمضان نیز دارد. مجلس مقابله؛ در گذشته به عنوان رسمی واجب در مساجد تمام محلات بوشهر برگزار می شد چنان که در حال حاضر هم به قوت خود باقی است. و معمول است که هر شب باید یک جزو از سی جزو قرآن را تلاوت کنند و بعد از پایان جزو دعای افتتاح را بخوانند و از شب نوزدهم به بعد دعای مختص هر شب را، و در شب آخر ماه رمضان (شب فردای عید فطر) دعای ختم قرآن را. آقای قربانی عزیز اگر از اهالی تمام محلات بوشهر بپرسید مقابله یعنی چه؟ پاسخی جز آن چه شرحش به میان آمد به شما نخواهند داد.

۱۲- مؤلف محترم هر آنچه را که دیگران به ویژهِ قلم زنان بوشهری در کتاب خود ارایه داده اند، عیناً از نوشتار آنان سود جسته و بدون این که نامی از نویسنده کتاب (در پا نوشت) را ببرد، در جای جای کتاب خود نیز آورده اند. نیز اگر گفته شود او در این جا مصادره به مطلوب را نموده شاید درست نباشد. بهتر است بگوییم به انتحال ادبی دست یازیده است. برای این که روشن شود معنی کلمه انتحال (عربی=مصدر متعدی) چیست؟ تعریف آن را می آورم: به خود بستن، به خویش دربستن، به خود نسبت دادن، سخن دیگری بر خویشتن بستن، و آن چنان باشد که کسی شعر یا سخن دیگری را شعر یا سخن خویش سازد و بی تغییری و تصرّفی در لفظ و معنی یا به تصرفی اندک. / فرهنگ معین، ج ۱، ص۳۶۳.

برای نمونه به دو مورد زیر اشاره کرده و بقیه موارد را فقط به ذکر شماره صفحه کتاب بسنده می کنم.

۱- در تعریف محله «مخ بلند»/ ص ۴۸۷ و ۴۸۸ – هر آن چه نوشته است کپی برداری قسمت هایی از کتاب «نسیمی از دفتر ایام» نوشته علی رضا مظفری زاده در صفحه ۲۹-۳۷ و ۴۰ (البته با اندک تغییری در متن) نیز می باشد.

۲- از صفحه ۳۵۴ تا ۳۹۹ کتاب، از «سنگستان» عبدالحسین احمدی ریشهری در جلد یکم، استفاده کرده و در پانوشت صفحه؛ نام وی را نبرده است و برای این که ردّ پا را گُم کند فقط یک مورد (تعریف اول) از معانی چندگانه ای که برای هر واژه منظور شده، در کتاب خود لحاظ کرده است و هم این که تلفظ صوتی واژگان (فونتیک) را با اسپل انگلیسی برای هر واژه و بعضاً نادرست، در نگارش آورده است.

در نگاه به همین امر، مثل معروف بوشهری به نظرم رسید که می گویند: خروس سوار مرغ می شود می گوید صاحبم کور است» تازه، خنده دارتر از آن، این است که در بالا و عنوان واژگان مورد نظر نوشته اند. واژه نامه ی تنگک.

در این جا از مؤلف باید پرسید: در تنگک؟ یا در تنگک ها؟ (البته با کلام نادرست مؤلف).

دوست عزیز و همکار فرهنگی و دانشگاهی بنده، این را باید دانست که پاره معدودی از واژگان مورد استعمال عوام و با تلفظ صحیح آن، در همه جا و نزد افراد هر محله (محلات قدیم بوشهر) معمول و یکنواخت نیست. سال ها باید پشتکار به خرج داد و زحمت کشید تا به شناخت آن پی برد و گستره جغرافیایی آن را مشخص کرد. برای آگاهی بیشتر شما، تلفظ چند واژه را (به طور مختصر) که در تنگک شما یا هر سه تنگک و به ویژه روستای چاه تلخ تنگستان و محلات پیرامون آن متداول بوده و مردم چهار محله مرکزی بوشهر (شنبدی، کوتی، بهبهانی، دهدشتی) نیز آن را فهم نمی کنند در این مقال عرضه می دارم.

جامَر، جافر، گَنَک، مَنکل

از جوانان بوشهری نسل حاضر در تنگک ها که هیچ، حتا اگر از سالمندان محلات دیگر شهر معنای این چند واژه را بپرسید کمتر خواهند دانست که: جامر یعنی جاروف؛ جارو- جافر یعنی جعفر- گنک genak یعنی مورچه ریز، و مَنکل یعنی خمره بزرگ سفالین.

پس، بر شما نویسنده محترم جای آن می بود که در باب واژگان خاصی که به گویش تنگستانی است و تلفظ خاص آن فقط در تنگک های سه گانه است و تحریف یا اماله و تعدیل و تخفیف در ریخت اصلی کلمه صورت گرفته است را در قلم می آوردید تا کمک دانشی به کسانی که پیش از این در انجام کار (گردآوری واژگان) برآمده بوده اند و نواقصی در کارشان مشهود است؛ می کردید، نه این که به بیرون نویس کردن مطلب از کتاب آنان پرداخته و نام آنان را هم نبرید.

آقای علی اکبر قربانی، به مصداق این بیت شعر از حیدر علی اصفهانی معروف به کمالی (شاعر و نویسنده ایرانی معاصر):

من از مفصّل این باب مُجمَلی گفتم
تو خود حدیث مفصّل بخوان از این مُجمَل،

کتاب حضرت عالی بسیاری اشتباهات دیگر (سهوی و قلمی) نیز دارد که باید اصلاح شود.

کتاب از لغزش های املایی نیز خالی نیست. برای مثال در جمله ی خدمت گذار/خدمت گذاری/ و خدمت گذاران در صفحات ۸۰-۱۷۴-۱۹۸-۲۹۲-۴۰۸ که در اصل به صورت خدمت گزار و خدمت گزاری و خدمت گزاران باید نوشت، حرف (ذ) به جای (ز) آورده شده.

چند کلمه هم درباره ی نثر کتاب در آنچه از قلم مؤلف می باشد بگوییم. کتاب آقای قربانی از لغزش انشایی؛ پریشان گویی، جمله ی مبهم و نادرست و لغزش های پیش پا افتاده؛ بسی شگفت آور است. اگر نویسنده، کتاب را پیش از چاپ به یک دانشجوی ادبیات فارسی می سپرد تا عبارات آن را درست کند و لغزش های آن را بزداید، دست کم می توانستیم در این جا از نثر کتاب تعریف کنیم. این کتاب، نمونه ی یک تحقیق ابتدائی است نتیجه این شده است که کار نویسنده کمی و کاستی پیدا کند.

گفتیم مؤلف به شیوه ی پاره ای از «دانشمندان» زمان ما، از یاد کردن منابع و مآخذی که در نوشتنِ مقاله خود از آن ها سود جسته اند- به جز چند مورد مَشخص که جای گریز را ندیده- خودداری کرده و در نقلِ مطالب نیز پاس امانت را نداشته اند. این گونه به ابهام نَوشتن و ذکر مأخذ نکردن و سخن دیگران به خود بستن، دور از راه و روش علمی است و ارزشی ندارد.

این است عنوان مطالب مورد نظر که به دیده آورده ایم: ۱- پیرامون زندگی فایز دشتستانی ص ۳۹ تا ۴۱- ۲- پیرامون زندگی مفتون/۴۱ تا ۴۲- مشکل گشا/۴۸- قصه گویی در محلات بوشهر ۴۹ تا ۵۰- لالایی ها ۵۹تا ۶۰- اشعار چاووشی/۶۴ تا ۶۵- زندگی نامه حاج سید عبدالله بلادی بهبهانی/۶۶ تا ۶۷ و آثار ویرانه های ریشهر/۷۴ تا ۷۵- نیز برای جلوگیری از طول کلام فقط تا صفحه ۷۵ بسنده کرده ایم.

اصلاً این طور که پیداست گویا مؤلف اهمیتی به شیوه پژوهش و سندآوری و زیرنویسی در استناد به کتاب و مقالاتی که از این و آن به گفته آورده، نیز نداده اند. برای مثال برجسته نما یا دو عصا « » که در آغاز و انجام سخنی که مستقیماً از شخص یا منبعی نقل می شود قرار می گیرد، در کتاب ایشان جایی به خود را ندارد.

این نکته ها را هم باید بیافزاییم.

۱- ایضاً: «چاه حسن شهابی [حسن شابی] در مشرق محله سرتُل و در باغ مرحوم عبدالکریم فرزانه قرار داشت و اهالی «ریشهر» و «رونی» و «سرتُل» از آن استفاده می کردند»/۷۲-

خیر، اهالی ریشهر هیچ گاه از چاه حسن شابی استفاده نمی کردند زیرا استفاده از چاه های واقع در محله ی بهمنی که فاصله نزدیک تر از ریشهر تا حسن شابی داشت بیشتر قابل توجه بود.

۲- ایضاً: «شاه زاده حسن در ریشهر، تا کنون کراماتی از آن دیده شده است»/۷۹.

زهی تأسف از افکار نویسنده که هم بالای قبر بی مرده می گرید، و هم صاحب قبر را دارای کراماتَ(!؟)

۳- در تاریخچه تعزیه در کوی ریشهر، گفته اند: «مراسم تعزیه در محله ریشهر اوایل در مسجد امام حسین برگزار می شد.» /۸۷-

خیر چنین نیست. نگارنده این سطور که پدربزرگ پدربزرگم از همان محله بحرینی ها است چیزی در این باب نشنیده و خود که شصت و اندی سال از عمرش می گذرد به یاد ندارد که تعزیه در آن جا برگزار می کرده اند، مگر در مورد عزاداری دورِ نعشِ امام حسین که خود سخن جداگانه می خواهد.

۴- «زمین دَر /ص ۸۹/ سطر دهم» نادرست، و درست آن دِدَر است.

۵- درباره ی حسینیه اکبری ها در کوی ریشهر، گفته اند: «این حسینیه که در اختیار خانم ها بوده و قبیله ی اکبری ها که اصالتاً بحرینی می باشند آن را احداث نموده اند.»/ ص ۸۸

پناه بر خدا، آقای عزیز، اولاً حسینیه ای که نام «علی اکبر» به آن داده شده، بنای آن در همین سه چهار ساله اخیر نهاده اند. و دیگر آن که اصلاً قبیله ای به نام «اکبری ها» در ریشهر (در محله ی بحرینی ها= محله ی کهوادی) وجود خارجی ندارد. من فکر می کنم به خاطر این که نام حسینیهِ علی اکبر دارد، این نویسنده را به خیال بافی انداخته است.

درباره ی مسجد امام حسین واقع در محله ی شرقی کوی ریشهر نوشته اند: «قدمت تاریخی این مسجد نیز به حدود ۵۰۰ سال می رسد و قبلاً به آن نیز، مسجد بحرینی ها می گفتند.»/۷۷

آقای قربانی، در باب این قدمت پانصد ساله مسجد بحرینی ها (مسجد کهوادی)؛ به قول معروف «سرم را بشکن ولی نرخم را مشکن». قدمت ساخت این مسجد به چیزی در حدود ۱۷۰ و نهایتاً ۱۸۰ سال پیش می رسد. اگر از زمان ساخت مسجد توسط عبدالحسین بحرانی، تا نسل پنجم پس از وی یعنی حسین زین الدین ریشهری (از اعقاب بحرانی) که اکنون بانی مسجد (متولی) می باشد در نظر بیاوریم، تاریخ ۱۷۰ سال برای قدمت مسجد بحرینی ها معقول تر به نظر می رسد.

- نگاه کنید به اشخاصی که بانی (به معنی متولی بودن) مسجد را- پسر بعد از پدر از اعقاب عبدالحسین بحرانی- برعهده داشته اند: عبدالحسین بحرانی۱- زین الدین۲ - حاجی عباس۳ - مشهدی حاجی۴ - جواد۵ و حسین زین الدین ریشهری۶.

آقای قربانی عزیز، از این گونه انتقاد منصفانه ما دل گیر نشوید. سخن از ایراد و انتقاد نیست اما از این است که نوشته ی شما برای خواننده؛ در آینده سند خواهد شد. بگذارید از سخن بی پایه نویسنده دیگر هم نمونه ای بازگو کنم. آقای حیدر عرفان در باب سابقه تعزیه در استان بوشهر نوشته اند: «تعزیه خوانی در استان بوشهر به هفت سد [هفتصد] سال کشانده می شود.» نگاه کنید: تعزیه در استان بوشهر/ ص ۱۷- یعنی تقریباً در اوایل سده هشتم هجری که بیشتر مردم ایران بر آیین تسنن بوده اند، می رسد. نیز این که گفتم مطلبِ درست یا نادرست کتاب در آینده سند خواهد شدِ، ذیلاً نمونه اش را می آورم. به تازگی پژوهش گری به نام خانم سودابه معموری در کتابی تحت عنوان «میراث ناملموس استان بوشهر» به نوشته ی آقای حیدر عرفان استناد کرده و گفته است: «حیدر عرفان در کتابش می نویسد تعزیه در بوشهر به ۷۰۰ سال می رسد»/۳۷

پس برای پژوهش گری که بخواهد از کتاب قربانی در باب پیشینه تاریخی مسجد امام حسن و حسینیه امام حسن و مسجد بحرینی ها در ریشهر، و امام زاده عبدالمهیمن، و نیز از کتاب حیدر عرفان در باب سابقه تعزیه در استان بوشهر، چیزی دستگیرش بشود بسیار در شگفتی به خاطر بیان مطلبی می افتد که نویسنده هیچ سند و مدرکِ متقنی برای آن چه گفته است ارایه نداده اند و حتماً به خود خواهد گفت: اَلعَجَب ثمّ العَجَب بین الجمادی و الرَجَب.

این که گفتیم کتاب آقای قربانی نمونه ی کامل یک تحقیق ابتدائی است بر ما خرده مگیرید. نویسنده، حتا تاریخ زاده شدن پاره ای شخصیت های زنده بوشهری (تا چه رسد به مردگان) را هم نادرست آورده اند. از جمله تاریخ زاده شدن عبدالحسین ریشهری مؤلف کتاب «سنگستان»، را به سال ۱۳۳۷/ ص ۸۴، و آغا سید بزرگ موسوی (فوتبالیست سرشناس و سابق بوشهری در تیم خلیج و تیم نادری) را سال ۱۳۰۰ نوشته اند. (ص ۸۸).

حال آن که تولد ریشهری بنابر آن چه خود در مجلد یکم سنگستان/ صفحه یازده، سطر اول- آورده است سال ۱۳۲۷ بوده، و تولد آغا بزرگ موسوی که کمتر از دو ماه پیش از دنیا رفته است نیز به سال ۱۳۰۹ می باشد. چه زیبا بر سنگ مزارش هم نوشته اند: آفریده: ۱۳۰۹- آرمیده: ۱۳۹۴/۶/۷.

نیز برای این که به انشا و گفتار مؤلف بیشتر پی ببرید ذیلاً یک مورد دیگر را اضافه می کنم.

نوشته اند: «در بعضی از متون تاریخی نقل است که «امام زاده عبدالمهیمن علیه السلام» در سنه ی ۳۶۵ وفات کرده با تاریخ وفات پدر بزرگوارش که در مصر وفات نموده و در همان جا به خاک سپرده شد و هم اکنون نیز دارای مقبره می باشند اشتباه شده است.»/۱۰۳

آقای قربانی، این که از قدیم گفته اند «در این دنیا عجب دیدن عجب نیست»، درست درست است زیرا من «این عجب ثم العجب» را در این نوشته شما به عیان می بینم. یعنی این که گفته اید «در بعضی از متون تاریخی نقل است که...الخ/ می خواهم بدانم نقل مطلب را در کدام متون تاریخی درباره نام و نشان عبدالمهیمن دیده اید؟ و اگر چنین بوده چرا نام کتاب و نویسنده آن را در قلم نیاورده اید؟ و این که افزوده اید «پدر عبدالمهیمن هم اکنون نیز در مصر دارای مقبره می باشد» این را از زبان کدام سفر کرده به مصر شنیده اید!؟ والسلام.

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com
صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



مشاور استاندار بوشهر:

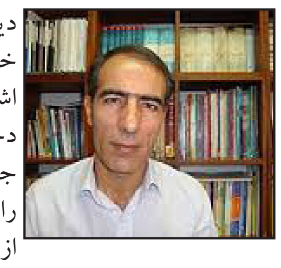
طرح امید اجتماعی برای توانمندسازی فعالان مدنی اجرا می شود



مشاور امور جوانان استاندار بوشهر در نشست ستاد استانی طرح امید اجتماعی اظهار داشت: همایش افتتاح طرح امید اجتماعی، آذرماه در استان بوشهر با حضور اساتید برجسته برگزار می شود.
یونس قیصی زاده تصریح کرد: این همایش در راستای تاکید استاندار بوشهر مبنی بر آموزش و تقویت سازمان های مردم نهاد، مربیان طرح امید اجتماعی و فعالان مدنی اجرا خواهد شد.
وی افزود: در این طرح تاکید شده که زمینه حضور سازمان های مردم نهاد برای استفاده از پتانسیل و ظرفیت های موجود در استان فراهم شود.
قیصی زاده عنوان کرد: اجرای طرح امید اجتماعی جوانان توسط سازمان های مردم نهاد و با همکاری فرمانداری ها، بخشداری ها و دستگاه های اجرایی مرتبط برای گروه هدف جوانان فعال مدنی اجرا می شود.
وی یادآور شد: در قالب این طرح کارگاه های تخصصی آموزشی در زمینه های مختلف اجتماعی در شهرستان های ۱۰ گانه استان بوشهر برگزار می شود.

به دلیل یک لغزش و اشتباه غیر عمدی، قدرناشناس نباشیم

دکتر علی اصغر قهرمانی مقبل - استاد دانشگاه خلیج فارس



دیشب وقتی وارد خانه شدم دیدم که اشک بر چشمان دختر چهارده سالم جاری است. دلیلش را پرسیدم، تصویری از عموهای فتیله را نشانم داد در لباس متهمان، با چهره‌ای آشفته و مبهوت. بسیار کوشیدم که جلوی گریه‌ام را بگیرم. حال دخترم و تمامی دختران و پسران هم‌سن و سال او را درک می‌کردم. او از زمانی که چشم باز کرده و خود را شناخته بود شما را هم شناخته بود. برنامه‌های شما را از همان کودکی دیده بود و با تمام سادگی شما را عمو فروتن، عمو مسلمی و عمو گلی می‌خواند. او در طول عمر خود همواره شما را تماشا کرده بود ولی هیچ‌گاه با چهره‌ای غمگین ندیده بود.
همیشه عادت کرده بود که شما را در لباس‌های کودکانه و خوشرنگ و شاداب ببیند و نمی‌توانست شما را در لباس متهم باور کند.
دخترم از همان کودکی به شما و برنامهٔ شما خو گرفته بود و با برنامه‌های شاد و متنوع و آموزندهٔ شما بالیده و قد کشیده بود. در خلوت خود شعرهایی را زمزمه می‌کرد که از شما شنیده بود. اکنون تمامی آن خاطرات در ذهنش تداعی شده بود. هنوز به یاد دارم و به یاد دارد که بزرگترین هدیهٔ ما به او برای تولد چهارسالگی‌اش در غربت، تماس تلفنی او با برنامهٔ شما بود که روزهای یکشنبه از جام جم برای ایرانیان خارج از کشور پخش می‌شد. مستقیم با شما حرف زد و شما با تمام انرژی و صمیمیت، شعر تولد را برایش خواندید که هنوز شیرینی این خاطره در کام او و تک تک اعضای خانواده‌ام احساس می‌شود.
سپس در طول تحصیل ابتدائی‌اش مشتاقانه روز جمعه را انتظار می‌کشید تا برنامهٔ شما را با تمام وجود به تماشا بنشیند و من نیز کودکانه در کنارش می‌نشستم و غرق در شادی می‌شدم؛ نخست از شاد شدن دخترم و دوم از اجرای هنرمندانهٔ شما که در طول سالیان سال همواره تازگی و جذابیت خود را حفظ کرده بود.
دخترم همواره آرزو داشت که از نزدیک و حضوری برنامهٔ شما را ببیند که شما این آرزویش را محقق کردید و دو سال پیش در شهر بوشهر برنامه‌ای اجرا کردید و دخترم به همراه سیل مشتاقان، برنامه شما را تماشا کرد که آن روز هم جزء بهترین خاطرات او شد. با خود می‌اندیشم که شما مثلث طلایی عموهای فتیله، برای دخترم آن قدر خاطرات خوش و لحظه‌های شیرین به ارمغان آوردید که شمارش آن برایم دشوار است.
من یک پدرم، بی‌تردید مادران و پدران بسیاری چون من، از هر نژاد و قوم و زبانی در این سرزمین وجود دارند که فرزندانشان با برنامه‌های عالی شما قد کشیده‌اند، به سن نوجوانی رسیده‌اند و حتی جوانانی برومند شده‌اند و اکنون نه خود و نه فرزندانشان تاب و تحمل آن را ندارند که شما را آزرده خاطر ببینید. من یک ترک‌زبان هستم، همچنان‌که عمو مسلمی فتیله ترک‌زبان است. پس چطور می‌توانم باور کنم که عمو مسلمی عامدانه می‌خواسته به همزبانان خود توهین کند؟ و اکنون چگونه می‌توانم به دلیل یک لغزش و اشتباه غیر عمدی، این چنین قدرناشناس باشم و تمامی آن خاطرات خوب را به دختر و خانواده‌ام هدیه داده‌اید فراموش کنم و قصور دیگران را به پای شما بنویسم؟
آری برنامهٔ فتیله قربانی قصور دیگران شد. بهانه‌ای شد تا ترک‌زبانان گرامی یک بار دیگر اصل پانزدهم قانون اساسی را به مسئولان یادآوری کنند که در کنار زبان فارسی که زبان رسمی کشور است، «استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است». ولی انصاف جوانمردی حکم می‌کند که این مطالبه باعث رنجش خاطر کسانی نشود که این همه خاطرات خوب و شیرین به فرزندان این مرز بوم از هر زبان و قوم و نژادی هدیه داده‌اند و به گفتهٔ سعدی شیرین‌سخن:
«دوستی را که به عمری فراچنگ آرند، نشاید که به یک‌دم بیازارند». پس عموهای مهربان فتیله، از صمیم قلب دوستتان داریم.



تشکر از اقدام فرهنگی استاندار بوشهر

مهدی جهانبخشان

در این چند سال هرگاه سخن از افتخارات بوشهر به میان می آید، ابنیه های قدیمی و شیشه های رنگی عمارات مختلف بافت قدیم و آرامگاه آتشی و مدرسه سعادت مدنظر است، ولی باید اذعان داشت که بخش قابل توجهی از ابنیه ها رو به فرسودگی و ویرانی است.
به همت استاندار محترم بوشهر جناب آقای سالاری بودجه ای در اختیار دست اندرکاران مرمت و بازسازی مدرسه سعادت قرار گرفت و بودجه ای هم برای تکمیل آرامگاه منوچهر آتشی اختصاص داده شده که جای تشکر فراوان دارد، زیرا در دوره های گذشته بطور کلی مرمت و بازسازی فضاهای تاریخی و فرهنگی در بوته فراموشی سپرده شده بود.
البته لازم به ذکر است که کارگران و معماران مدرسه سعادت از اینکه بودجه فوق تا حالا چیزی دست و بالشان را نگرفته، گله مندند. هر چند که پیمانکاران این دو نهاد فرهنگی یعنی مدرسه سعادت و آرامگاه منوچهر آتشی تقاضای بودجه مجدد نموده اند. امید است استاندار محترم بازوهای نظارتی خود را هر چه بیشتر بر تمام جاهایی که لازم است، گسترده نمایند.
مدرسه سعادت در سال ۱۲۷۸ به سبک نوین آموزشی به وسیله حکمران وقت بوشهر، احمدخان دریا بیگی نزدیک حسینیه (برحه کازرونی) تاسیس شد که آقای شیخ محمد حسین سعادت و برادرش شیخ عبدالکریم سعادت در تاسیس آن نقش بسزایی داشتند. بعدها مدرسه فعلی با کمک تجار علاقه مند به علم و دانش بنا گردید.



جایزه ترویج علم ایران به رصدخانه مهر بوشهر رسید



انجمن ترویج علم ایران، شانزدهمین جایزه ترویج علم ایران را به رصدخانه مهر بوشهر اعطا کرد. به گزارش نسیم جنوب در مراسم اختتامیه این هفته با حضور بزرگان عرصه آموزش و ترویج علم کشور از جمله خانم دکتر قدیمی، دکتر وصالی و دکتر نمک دوست در برج میلاد برگزار شد، رصدخانه مهر به پاس یک دهه فعالیت پیوسته در عرصه آموزش نجوم، برگزاری جشنواره های خلاقانه، اجرای پروژه های علم محور به صورت ملی، طراحی و اجرای دورههای آموزشی نجوم-محیط زیست معلمان، تشکیل انجمن نجوم معلمان ایران، تشکیل انجمن های نجوم محیط زیست در سراسر استان بوشهر موفق به دریافت جایزه ترویج علم ایران شد.
در این مراسم حسن باغبانی، مدیر رصدخانه مهر و اتحادیه نجوم استان بوشهر تندیس شانزدهمین جایزه ترویج علم ایران را دریافت نمود.
دکتر قدیمی، مدیر انجمن ترویج علم ایران در سخنانی ضمن معرفی رصدخانه مهر به عنوان برگزیده این دوره از جایزه ترویج علم از ویژگی های بارز رصدخانه مهر برابری فعالیت های صورت گرفته در این مرکز با ساینس سنترهای اروپایی دانست.
انجمن ترویج علم ایران، عالی ترین نهاد در راستای همگانی کردن علم و افزایش دانش عمومی جامعه می باشد.
در بیانیه این انجمن آمده است:
هیأت داوران، جایزه ترویج علم سال ۱۳۹۴ را به دلیل فعالیت‌های ترویجی و آموزشی در حوزه نجوم، برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های نجومی و رصدی، اجرای جشنواره‌های نجومی- محیط زیستی در مدارس ایران و کسب افتخارات بین‌المللی در حوزه رصدخانه‌ها به رصدخانه مهر بوشهر تقدیم می کند.
رصدخانه مهر، کسب شانزدهمین جایزه ی ترویج علم ایران را حاصل همراهی خالصانه و عاشقانه تمامی اعضای رصدخانه مهر می داند که در طول این سالیان با گام هایی استوار در مسیر پویایی و ترویج علم در استان گام برداشته اند و ضمن تبریک این موفقیت بزرگ به جامعه علمی استان، از تلاش های مستمر فعالان اتحادیه نجوم در سراسر استان تقدیر و تشکر می نماید.

انجمن نکوداشت مشاهیر استان بوشهر تشکیل می شود



معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری بوشهر گفت: در راستای شناسایی و معرفی گنجینه فرهیختگان و بهره گیری از دانش تخصصی آنها در شتاب بخشی توسعه پایدار انجمن نکوداشت مشاهیر استان بوشهر تشکیل می شود.
به گزارش ایرنا فتح الله حقیقی در نشست هیات امنا ستاد نکوداشت مشاهیر و مفاخر استان بوشهر افزود: باید به نحو مطلوب در جهت شناسایی و معرفی گنجینه فرهیختگان، بزرگان، مفاخر و مشاهیر اقدام های عملی انجام شود.
وی یادآور شد: فرهیختگان به عنوان سرمایه های ملی نقشی اساسی در نتیجه بخشی سیاست گذاری ها و برنامه های توسعه علمی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایفا می کنند.
معاون استانداری بوشهر ادامه داد: شناسایی فرهیختگان و بزرگانی که به نوعی در اعتلای نام و فرهنگ این استان گام برداشته اند، امری ضروری است. حقیقی گفت: باید در کنار تجلیل از مشاهیر و مفاخر، بستر فرهنگ سازی و ارج نهادن به نخبگان در جامعه نهادینه شود.

کتاب کنکور هدیه دهید

همزمان با هفته کتاب، گروه همیاران فرهنگی نسیم جنوب اقدام به اهدای تعدادی کتاب کنکور سراسری به کتابخانه عمومی نموده است، از شهروندان دانش دوست که مایل به مشارکت در این اقدام فرهنگی هستند، تقاضا می شود کتاب های کنکور فرزندان خود را که با موفقیت در کنکور سالجاری پذیرفته شده اند، به دفتر هفته نامه نسیم جنوب (واقع در بوشهر، میدان قدس، کوچه نسیم جنوب) جهت استفاده دیگر دانش آموزان عزیز هم استانی، تحویل دهند و بدینوسیله سهمی در موفقیت فرزندان این آب و خاک و آینده روشن آنان ایفا نمایند.

تلفن هفته نامه نسیم جنوب جهت هماهنگی

۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹

جایزه بهترین کارآفرین جوان سال ۲۰۱۵ بنیاد تاکدا ژاپن برای دو کارآفرین بوشهری

مجتبی رادفر و مرتضی عباسی دو دانش آموخته این دانشگاه موفق به کسب جایزه بهترین کارآفرین جوان سال ۲۰۱۵ بنیاد تاکدا وابسته به دانشگاه توکیو کشور ژاپن شدند.
به گزارش روابط عمومی دانشگاه خلیج فارس بوشهر، این دو دانش آموخته دانشگاه خلیج فارس بوشهر با ابداع و ارائه سامانه یادگیری الکترونیکی نوینی با عنوان "کتاب الکترونیک آریا" برای آموزش و پرورش توانستند این جایزه را از آن خود کنند. این سامانه، متون درسی، فایل های شنیداری، دیداری، عکس و پرسش های چند گزینه ای را در اختیار معلمان و دانش آموزان سطوح ابتدایی و راهنمایی قرار می دهد.
با این سامانه دانش آموزان می توانند در حین سرگرمی، مطالبی را با موضوع های مختلف بیاموزند.
سال گذشته ۲۵ هزار معلم و یک میلیون و ۵۰۰ هزار دانش آموز از این سامانه استفاده کردند.
جایزه بنیاد تاکدا دانشگاه توکیو ژاپن شامل دیپلم افتخار، پلاک کریستال، و وجه نقدی معادل یک میلیون ین ژاپن است که مراسم اعطای آن ششم فوریه ۲۰۱۶ در سالن همایش های بنیاد تاکدا در دانشگاه توکیو ژاپن برگزار خواهد شد.



تیم فوتبال "خلیج " بهمنی (شاهین فعلی) در سال ۱۳۳۰ تاسیس شد. موسسین آن آقایان سید بزرگ موسوی و عبدالمحمد پوربهی، مرحوم علی توکلی و غلامرضا مقیم بودند. از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ مرحوم علی توکلی سرپرست تیم فوتبال خلیج بودند. پس از کناره گیری ایشان بعلت مشغله کاری، آقای سیدبزرگ موسوی سرپرستی تیم را بعهده گرفتند.

